

حبذا انروزی که جوانان دانشمند ایران بی بدینمسئله مهم بپسند
که کشور باستان ترقی نخواهد نمود مگر بمساعدت خواهران عزیز
و مساوات آنان با مردان چه ، تا نصف بیشتر اهالی مملکت از حقوق
خود بیخبر و در وادی جهالت و نادانی سرگردان و حیران و در آتش
استبداد شوهران و برادرانشان میسوزند هراقدامی که برای تهذیب
اخلاق قوم و تربیت نژاد آتیه نمایند بی ثمر خواهد بود . گذشته از
اینکه زن هم مانند مرد انسان است و حق عیش ، تمتع و برخورداری
از حقوق خود دارد و سلب این حق مقدس بزرگترین گناه و خیانت
محسوب میشود ، زن کعبه آمال مرد ، مربی نژاد آتیه ، ملکه خانواد ،
محورهیئت اجتماعی است . زن است که کعبه مرد را گلشن و خستگی
اورا مبدل بر احوی میکند ، زن است که بهترین رفیق و شریک مرد
شده در مصائب او را غمخوار و در بلیات تسلیش میدهد ، زن است
که ماز پر تو توجهش اولاد نامی تربیت کرده فرزندان خود را شجاع ،
غیور و خادم وطن و انسانیت بار آورد . از عاطفه رفیق اوست که
اخلاق خشن مرد لطیف گردیده روی زمین پس از اینکه قتلگاه
نوع بشر بوده بتدریج جنت عدن و جای صلح و صفا خواهد شد
از جمال دلربای اوست که صورتگر ، فنان ، نقاش ، شاعر ، موسیقی
دان سیر عالم معنی کرده از دریای بیکران غیب درهای گرانبهای معانی
را غواص و اریرون آورند . زن ، تو ، ای فرشته رحمت بال لطف خود
را برگشا و مردان را از این حالت درندگی و خونخواری نجات ده ،
زن ، تو ، ای مربی نوع بشر از کنج عزلت بدر آی و بار دیگر بعالم

قابت نما که بی مدد و مساعدت تو جهان و کار جهان جمله هیچ در هیچ است . آری در هر قوم که زن محترم و دارای حقوق بشری بود آن قوم محترم و متمدن محسوب میشود و بر عکس در هر ملتی که زن مانند ایران در جوال سیاه بوده از هر حقوق محروم باشد ، آن ملت در پستی اخلاق و انحطاط مادی و ادبی است .

از اینرو ما قدر آن جوانان دانشمندی که قلم بدست گرفته بدون بیم و پروا برای آزادی جنس لطیف رحمت میکشند دانسته نیات قدسه^۱ آنان را تقدیر و تقدیس مینمایم . از انجمله فاضل دانشمند آقای میرزا ذبیح الله خان قربان محصل طب در دار الفنون بیروت میباشد که ایام بیکاری و تعطیل خود را صرف خدمت خواهران مینماید . کتاب نفیس دانستنیهای زنان جوان که از انگلیسی بفارسی ترجمه نموده و در مطبعه^۲ ایرانشهر بطبع رسیده ، مقالات سودمندی که در مجلات و جراید برشته تحریر در آورده بهترین دلیل ایران دوستی پشت کار این جوان جسور و غیور است . رساله^۳ « ترقی نسوان » که ما بجای شماره دهم مجله^۴ سودمند برای خوانندگان محترم ارسال میداریم نمونه ایست از فکر بیدار این جوانان خردمندان و حقیقه اگر خواهران جدیدی نمایند و مرام آنها انجام دهند میتوانند بزودی بود را بخانههای اروپائی برسانند . امید داریم در عهد همایون ملیحضرت پهلوی امثال اینگونه جوانان زیاد گردیده خواهران ما در تحت توجهات پادشاه کامکار ایران از قید اسارت نجات دهند .



ترقی نسوان



بقلم



اقای میرزا ذبیح قربان



محصل طب در دارالفنون امریکائی بیروت

مقدمه

قرن بیستم را از نقطه نظر تجدید تمدن، ترقی و اقتدار زن میتوان عصر «زن پروری» خواند زیرا در این قرن ملاحظاتی است که زنها برای مرتبه دوم به حقیقت نفس خود و اهمیت وجود خویش در جامعه پی برده و خوشبختانه مردها نیز فهمیده اند که مقصود از زن و زن پروری چیست. چنانکه ملاحظه میشود امروزه در تمام عالم یک نهضت بزرگی با نام نهضت نسوان وجود دارد و بطور کلی زنها از حالت کنونی و مقام فعلی خود در جامعه ناراضی بوده مقامات عالیتری برای خود درخواست مینمایند. در حقیقت هم اگر دو تاریخ گذشته زن و مقام بزرگی که حائز بوده است دقت نظر شود معلوم می گردد این ادعای حقوقی که امروزه زنها می نمایند حق طبیعی آنها بوده و بعلاوه یک وقتی هم حائز این رتبه و مقام بوده اند.

وقتیکه به تاریخ نشو و نمای فامیل که واحد مقیاس جامعه است عطف توجهی شود این امر بخوبی ثابت میگردد که در عهد اولیه

مادر بزرگترین حامل و مرکزی بوده که در اثر اقدامات مجددانه و عواطف مادرانه اش اولین فامیل تشکیل شده چنانچه در ابتدای تأسیس خانواده مادر حاکمیت مطلقه داشته و تنبیه و تربیت اطفال کاملاً به عهده کفایت او بوده است. ثروت و سائر وسائل معیشت در دست مادر بود و مرد مانند يك میهمانی در خانه او پذیرفته میشده است. ولی این مسئله نباید باعث سوء تفاهم شود که زن در اول از حیث قوای جسمی و روحی و عقلی بر مرد برتری داشته بلکه به عقیده اکثر علماء فلسفه و تاریخ زن این مقام مهم را در اثر نفوذ مادری خود تحصیل نموده بود. اما علت اینکه همین مادر هائیکه اساس جامعه انسانی را استوار نمودند به تدریج از اقتدار و نفوذشان کاسته شده در تحت نفوذ و سلطه مرد درآمدند خود شرح مفصلی است که جویندگان باید به کتب متعدده رجوع نمایند و عقاید بزرگان و فلاسفه را در این خصوص تطبیق کنند. یکی از بهترین کتبی که اخیراً نویسنده این سطور مطالعه نموده کتاب «مسترها رتلی» است که در خصوص «عصر اقتدار مادر» نوشته این مورخ اجتماعی بزرگ دوران کتب مفصلاً ترقیات تدریجی فامیل را از مراحل اولیه تا کنون شرح میدهد و با اسناد تاریخی دلایل خود را ثابت مینماید. لذا برای روشن نمودن ذهن خوانندگان محترم با کمال اختصار عقاید این نویسنده شهیر را در چند سطری می گنجانم.

این مصنف محترم تاریخ نشو و نمای فامیل را به سه عصر مهم تقسیم مینماید. عصر اول را زمان اقتدار و ریاست پدر تعیین می کند،

عصر دوم را نوبت نفوذ و ریاست مادر می‌شمارد و عصر سوم که زمان حاضر باشد دو مرتبه عهد تسلط و اقتدار پدر میدانند و برای ثبوت اظهارات خود دلایل مقنع تاریخی اقامه مینمایند که در این مختصر کنجایش ذکر آنها نیست و فقط به ذکر خلاصه عقاید او میپردازیم.

عصر اول - قبل از اینکه پیشینیان اولیه ما تشکیل اجتماعات بزرگی داده که با یکدیگر دارای روابط و مناسبات حسنه شوند بطور انفراد هر دسته کوچکی در تحت نفوذ و تسلط یک نفر مرد که از همه قوی تر بوده است در گوشه زندگی میگردند و تنازع بقا کاملاً ما بین آنها حکم فرمائی میکرد. این مرد قوی در داخل دسته کوچک خود اختیارات نامحدودی داشته و اغلب برای سلب حقوق دسته دیگر یا دفاع از مالک خود با رئیس دسته دیگر در نزاع بوده و از آن وقت حسن مالکیت و حسادت مرد شروع شده من بعد فقط برای منافع شخصی خود می کوشیده است. بیشتر این زد و خورد و نزاع ها هم بر سر زنهایی بود که آن مرد مالک بود و به زور بازو در حیطه تصرف خود داشته و هر چندی مرد قوی تری پیدا شده زنهای مرد دیگری را با ساریت برده خود او را معدوم مینمود. پسر هائیکه از این پدر مستقبه به وجود میامدند پس از آنکه مادر بیچاره زحمات آنها را متحمل شده به حد بلوغشان میرساند آن پدر خود خواه برای اینکه رقیبی در دسته خود نداشته باشد آنها را جبراً از مادر و خواهر خود دور ساخته از جمعیت خویش میراند. بعضی اوقات پسر ها متحد شده پدر را از اقامتگاه خود میراندند و حتی معدومش میکردند. هر وقت پدر غالب میگردد

پسر ها هر يك به گوشه رفته زنها و دختر های دسته ديگر را مي دزدیدند و يا به زور اسير می کردند و برای خود تشکیل يك دسته میدادند. خلاصه تمام این جنگ و نزاعها به ضرر زن بیچاره تمام میشد که هر روزی گرفتار دست يك مرد ظالم خود خواهی بود.

خوانندگان محترم می توانند بخوبی این وضعیت را نزد خود مجسم نمایند و تشخیص دهند که اگر این رویه امتداد پیدا مینمود و به آن خاتمه داده نمیشد هرگز جامعه به حالت کنونی نرسید ولی خوشبختانه زنها که از موقعیت خود ابدآ راضی نبودند و از این حس خود خواهی و تهور مرد ها بی زار بودند با دختر ها و پسر های خود کم کم متحد شده بر ضد اراده و تمایلات نامشروع پدر شروع به اقدامات نمودند و با وجود نفوذ مادری که داشتند باز قرنها طول کشید تا بالاخره موفق شدند که به دوره تسلط و اقتدار پدر که جز خرابی فایده ديگر نداشت خاتمه دهند و بواسطه عواطف نوع پروری خود قدری جامعه را به صوب انسانیت سوق دهند. از این وقت به بعد عصر حکومت مادر شرفروغ شدن و مطالعات فزاینده

عصر دوم - پس از سقوط حکومت پدر مادر ها اختیارات نامه امور را در دست گرفتند و با کمال اقتدار از تمایلات خود خواهانه پدر جلوگیری نمودند. در نتیجه آن احساسات عداوت و خونخواهی که مابین خانواده ها وجود داشت به تدریج بر طرف شده عواطف و محبت های مادرانه جانشین آن گردید و فامیل هایی که سابقاً به خون یکدیگر تشنه بودند بدور هم جمع آمده برای اولین دفعه تشکیل طایفه دادند. از انجائیکه مادران از جنگ و نزاع نفرت داشتند در

تحت حکومت خود مناسبات و دادیه را مابین طوایف نیز مستحکم کردند و بالاخره قومیت تشکیل شد .

در این عصر مادری اختیارات پدر در خانواده خیلی محدود شد بطوریکه مدتها شخص او به ریاست خانواده شناخته نمیشد بلکه در اجتماعات و حتی در انجام امور مادی خانواده نیز ابدأ مقام مهمی را حائز نبوده و در مواقع عروسی بر عکس امروز داماد خانه پدر و مادر خود را ترك کرده به منزل عروس میرفت و عمر خود را مانند يك میهمايي در منزل زن خویش می گذرانید بدون اینکه ذره در جریانات امور خانوادگی حق دخالت داشته باشد . اگر اتفاقاً هم زن و شوهر از یکدیگر راضی نبودند بدون هیچ مراسمی شوهر همان طور دست خالی که آمده بود دو مرتبه به منزل پدر و مادر خود بر می گشت و اطفال خود را نزد مادرشان می گذاشت . معلوم است تمول نیز از طرف مادر به اطفال میرسید و نسب و اسم فامیلی هم تابع مادر بود نه پدر . از این جهت است که علماء تاریخ این عصر را زمان حکومت و فرما نروائی مادر می دانند ^{شماره سوم انسانی و مطالعات فرهنگی} علاوه بر اینکه در اثر نفوذ و اقتدار مادر برای اولین مرتبه در هیئت اجتماعی فامیل تشکیل گردید و قومیت بر قرار شد قوانین بسیاری مفید اجتماعی نیز وضع گردید من جمله اینکه مرد ها مجبور گردیدند که فقط به يك زن قناعت نموده و از امیال غیر مشروع خود جلوگیری کنند . پس میتوان گفت که در این عصر خشاکتر وجود داشته بهترین و مقدس ترین روابط زنا شوئی بر قرار و مساوات حقیقی مابین زن و شوهر در مراسم ازدواج حکم فرما بوده است . از

آنجا نیکه مادران با علاقه مفرطی که با اطفال و بستگان خود دارند بخونریزی و نزاع هرگز راضی نمیشدند صلح و سلام و آرامش و سکوت در این عصر بزرگترین نعمت بوده بطوریکه در آن زمان جمعیت زمین بایک سرعت زیادی رو به تزايد بوده است در آن عصر شرایط ازدواج فقط رضایت طرفین بود و دیگر هیچ مراسمی از قبیل تادیه مهریه و جهاز در کار نبوده است. همینطور در موقع فصل و طلاق ابتدا تحمیل به هیچ طرف وارد نمی شده. یکی دیگر از فوائد و نتایج عصر مادر مسئله ثروت است که هر چند در دست مادر بود ولی اختصاص به شخصی نداشته بلکه به منفعت فامیل مصرف میکردید. بنا بر این احتکار ثروت نشده و نخبران راحت و هر یک باندازه کفایت از ثروت دنیوی متمتع میشدند. پس میتوان گفت که در مرحله نشو و نما فامیل در عالم مادر بزرگترین قسمت را داشته و در حقیقت میتوان او را مؤسس تشکیل خانواده دانست. بعد از آنکه قرنهای گذشته و عالم در یک حالت آرامش و سکونی مراحل ترقی خود را طی نمود دو مرتبه بعضی بدعتها و تغییرات اجتماعی به تدریج از اقتدارات مادر کاست و بر تسلط پدر افزود. باینطور که چون ثروت اختصاص به زنها داشت داو طلبان بسیاری برای زنا شوئی بایک دختر پیدا میشدند و برای اینکه خاطر آن دختر و فامیل او را به طرف خود متمایل سازند تحف و هدایائی برای عروس تقدیم مینمودند. کم کم تقدیم این قبیل هدایا رسمیت پیدا کرد و از جمله لوازم خواستگاری شمرده شد و به مرور ایام حکم مهریه را پیدا نمود و وقتی که مردها ملاحظه نمودند که باید مقداری ثروت در

مقابل زن خود بدهند يك حس تصرف و مالکیتی در آنها پیدا شد و برای خویش اقتدار آتی قائل شدند. به تدریج عروس را به منزل خود دعوت نمودند و از این وقت عصر اقتدار و حکومت مادر رو به زوال گذاشت و تسلط و اقتدار پدر دو مرتبه شروع شد. همانطور که قبلاً داماد به منزل عروس رفته حکم يك میهمان را داشت من بعد عروس به منزل داماد رفته در تحت نفوذ و تسلط او درآمد. منتهی آن عواطف و احساسات رقیق زن اجازه نمی داد که با شوهر و میهمان عزیز خود خشونت نماید و تسلط خود را بر او ظاهر سازد ولی شوهر ها که فاقد آن عواطف بودند وقتی که در خود اقتداری مشاهده کردند شروع به زیاد روی را نمودند دو مرتبه بنای خشونت و بد رفتاری را با زنهای خود گذاشتند و حقوق آنها را بسکلی پایمال نمودند و کم کم زن را متاعی برای خرید و فروش و اجرای امیال شخصی خود قرار دادند این بود که عصر سوم نشو و نمای فامیل شروع شد.

عصر سوم - این عصر که تا اوایل قرن بیستم میلادی در اروپا و امریکا و هنوز در اغلب ممالک آسیای خصوصاً ایران امتداد داشته و دارد عصر تجدید اقتدار پدر و میهنمانند، چون از وضعیت این عصر که تاریخ قسمت مهم آن در دست است همه با خبر هستند دیگر لازم شرح در این مختصر رساله نیست فقط باید در خاطر سپرد که هر چند از نقطه نظر مادیات در این دوره تا اندازه ترقی در عالم بیدار شده ولی اساس همان بود که در عصر حکومت مادر بر قرار گردید که تأسیس فامیل باشد.

تمام این جنگ و نزاعهای خانمان سوز که تاریخ نشان میدهد در اثر جهور و تسلط مردان در این دوره بوده است. زنها در این عصر ابتدا

اقتداری نداشته و در امورات اجتماعی و سیاسی هیچ دستی نداشته اند. تنها خدمتی که توانستند به عالم انسانیت بنمایند همانا نگاه داری از حدود و عوطف فامیلی بوده است که بدون آن عالم بشری در خطری بزرگ است.



این بود خلاصه عقاید بسیاری از مورخین اجتماعی بزرگ که در خصوص نشو و نمای فامیل و مراحل را که پیموده تحقیق و تدقیق نموده اند. ولی باز در اوایل قرن نوزدهم میلادی در گوشه و کنار عالم زنهائی پیدا شدند که از حالت حاضر خود ناراضی بوده برای زمان عالم در خواست حقوق و مقامی را نمودند. من جمله در شرق مظهره قزوینی بود که در مجبوحه استبداد ناصر الدین شاه علم مخالفت را بر افراشت و علناً با آن خرافاتی که برای مقام زن در جامعه ایران قائل بودند و ابداً دخلی به احکام دین حنیف اسلام نداشت مطالبه حقوق و آزادی نسوان را نمود و تقریباً در همان اوقات ماری « و لستن گرفت » در اروپا که محیطش بالنسبه با ایران به مراتب آزاد تر بود کتاب آزادی نسوان را منتشر نمود و اساس نهضت زنها را در غرب مستحکم کرد. خیلی باعث افتخار ایرانیان است که مادام « هانیش » مادر رئیس جمهور کنونی اطریش در یکی از مقالات خود در جرائد چنین اظهار می دارد: « من اولین قدم خود را برای تحصیل آزادی نسوان اطریش در سنه ۱۸۷۰ در اثر نفوذ افکار قره العین ایرانی برداشتم. باینطور که مادام « نجماجر » شاعر بزرگ اطریش که رفیق و مصاحب من بود روزی شعری را که در وصف قره العین سروده

و افکار و جانفشانی او را در آن مجسم نموده برای من خواند و مرا به حرکت و جنبش آورد که برای تحصیل آزادی خواهران خود در اطریش قدمهای سر یعتری بردارم. « (۱)

مادام « هائیش » که فعلا خیلی مسن میباشد مقام بزرگی را در مابین

(۱) نویسنده محترم این رساله در مکتوب شخصی که بمدير این مجله

مرفوم داشته عبارت ذیل را مینگارند :

« در مقاله جنبش زنهای آسیا مختصری راجع به قره العین اشاره شده بود که از درج آن خود داری فرمودید و بمناسباتی هم حق دارید. در این رساله هم از قول یکی از خانمهای اطریش راجع باین خانم ایرانی چند سطر نوشته شده لذا خواهشمندم حتی المقدور از درج اسم مشار الیها مضایقه نکنید که باید کم کم زنهای ایرانی مقام آن زن ازادینخواه را بدانند و از تعصبات منتهی دست بدارند »

آری مادر مقاله « جنبش زنان آسیا » اسم قره العین را نبردیم باین سبب که بسیاری از هموطنان ما گمان میکنند که هر کس اسم يك زن یا مردی که مسلمان نباشد با احترام برد حتما مسلمان نیست و چون ما شخصا مسلمان و شیعه هستیم نمیخواهیم احدی در باره ما خیال دیگری نماید معذک نظر بدرخواست نویسنده فاضل این رساله و از برای اینکه نام يك زن شجاعیکه در تاریخ نظیرش کمتر یافت میشود در نزد ایرانیان مستور نماند با اعتقاد راسخ خود بدین حنیف اسلام ان چند سطر را درج نمودیم . ما کار بمذهب و عقاید دینی احدی نداریم و فقط اشخاص را از نقطه نظر اجتماعی حکم میکنیم .

سودمند

زنان عالم حائز است زیرا خدمات او منحصر به بیداری و ترقی زنهای اطریش نیست بلکه در تمام اروپا اقداماتش سر مشق نهضت‌های زنانه میباشد.

بنابر دو مثال فوق معلوم میشود که از اوایل قرن نوزدهم میلادی تا بحال باز زن‌ها به فکر این افتاده اند که مقام از دست رفته خود را تحصیل نمایند و با وجود اینکه تغییرات رسوم و ترقیات اجتماعی تدریجی و بمرور زمان واقع میشود باز می بینیم که در این اندک مدت که نهضت زن‌ها شروع شده بسی موفق گردیده و تا اندازه حقوق پایمال شده خود را به دست آورده اند. همینطور که در عهد اول اقتدار پدر هزاران سال طول کشید تا مادران اختیارات را به عهده کفایت خود گرفتند حال نیز مدت طولانی لازم است تا زن‌ها بتوانند دو مرتبه مقام اولیه خود را حائز شوند. منتهی در اثر تعلیم و تربیت در این مدت کمی که زن‌ها جنبش نموده اند توانسته اند در اغلب ممالک متمدنه عالم یک قسمت مهم از امتیازات خود را به دست آورند.

برای اثبات بیان فوق در کمال اختصار شرحی را جمع به ترقیات و مداخله زن‌ها در سیاست و امور اجتماعی ممالک متمدنه ذیلا مینگارم و انهاییکه طالب اطلاعات زیاد تری در این خصوص میباشد بهتر است به کتب فرانسه و انگلیسی که در این موضوع نوشته شده رجوع نمایند.

نتیجه مساوات زنان با مردان

در اکثری از ممالک عالم

تا بحال متجاوز از صد و نود ملیون زن در سی و چهار دولت از ممالک متمدنه عالم در حقوق سیاسی و مدنی با مردها بکلی برابر گردیده و در سایر ممالک نیز جنبشهای قوی زنانه وجود دارد که با کمال جدیت مساوات خود را با مردها طالب و عنقریب است که به مقصود خویش نائل گردند زیرا نه فقط زنها با کوشش و جدیت زوال ناپذیری حقوق خود را مطالبه می کنند بلکه مردهای تربیت شده و رجال سیاسی هر مملکتی نیز پی باین مسئله برده اند که بدون کمک های فکری و عملی جنس لطیف که نصف جامعه را تشکیل میدهد نمیتوانند ملت خود را باوج سعادت و ترقی سوق دهند زیرا حکم مرغی را دارند که یک بالش شکسته و نمیتواند در هوای ازاد پرواز کند. از این جهت است که مردها بیشتر در تکمیل و ترقی مقام اجتماعی و سیاسی زنها می کوشند. ولی بدبختانه رجال مادر ایران ??? چون نهضت زنها در دولت متحده از جاهای دیگر قوی تر بوده و زودتر حقوق خود را به دست آوردند از شرح حقوق زنان در این دولت بزرگ شروع می کنیم.

دولت متحده امریکا

در سنه ۱۸۶۹ که پنجاه و هشت سال قبل باشد دولت و « یومینگ » پیش قدم شده به زنها حقوق سیاسی مطابق مردها

عطا کرد یعنی زنها حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را دارا شدند . پس از اینکه سار دول متحده آمریکا نتایج حسنه این اقدام را ملاحظه کردند به ترتیب ذیل به زنها حقوق بلدی و سیاسی بهمان ویرایطیکه مردها داشتند دادند .

۱۸۹۳ - کلورادو	۱۸۹۵ - یوتا
۱۸۹۶ - لیداهو	۱۹۱۰ - واشنگتون
۱۹۱۱ - کالیفورنیا	۱۹۱۲ - اورگون
۱۹۱۲ - کانساس	۱۹۱۲ - آریزون
۱۹۱۳ - الاسکا	۱۹۱۴ - مونتانا
۱۹۱۴ - نوادا	۱۹۱۷ - نیویورک
۱۹۱۸ - اوکلاونا	۱۹۱۸ - سوت داکوت
« « - رود آبلند	« « - میشیگان

در سنه ۱۹۲۰ وقتیکه در ۳۶ دولت از چهل و هشت دولت ممالک متحده زنان دارای حقوق سیاسی شدند قانون اساسی دول متحده تغییر کرد و در آن قید گردید که مرد و زن در تمام حقوق مدنی و سیاسی از هر حیث مساوی میباشند بدون هیچ امتیازی بر یکدیگر .

در سنه ۱۹۱۷ اولین زنیکه برای عضویت کنگره ممالک متحده انتخاب گردید (میس رانکین) بود که از مملکت مونتانا انتخاب گردید .

وقتیکه دول متحده میخواست داخل جنگ عالم شود و نوبت صحبت باین خانم محترم رسید با صدای بلند گفت « من مملکت و

هموطنان خود را دوست دارم چگونه میتوانم برای جنگ رای دهم ؟
 اگر چه عده زیادی این بیاد او را تعبیر سوئی کردند و گفتند
 زنها هموما از جنگ میترسند ولی حقیقتش این بود که این خانم دخول
 امریکا را در جنگ برای سیاست آن مملکت و سیاست عالم
 مضر میدانست .

دومین زنی که برای عضویت کنگره دول متحده انتخاب گردید
 (میس روبرتسون) بود و بعد از آن متجاوز از سی نفر زن به عضویت
 کنگره انتخاب گردیده و در سر نوشت آن مملکت ترقی خواه دست
 بزرگی داشته و دارند بطوریکه وضع قوانین ذیل از نتایج دخالت آنها
 در امور آن مملکت است :

۱ - از طرف دولت يك بودجه مخصوص برای نگاهداری
 صحت زنهای باردار تعیین گردید .

۲ - منع شرب الکحل در تمام مملکت و منع استعمال دخانیات
 برای جوانهاییکه سنشان کمتر از هیجده میباشد و همچنین وضع بسیاری
 از قوانین مفید اخلاقی و اجتماعی دیگر از اثر جدیت و نفوذ زنهاست
 پس از دخول در کنگره دول متحده .

۳ - در اثر اقدامات مجدانه این خانمهای وکیل ، در بسیاری از دول
 متحده فاحشه خانه ها بسته شده جداً از تظاهرات رسمی آنها جلوگیری
 می شود .

۴ - زنها در تمام دوائر دولتی با همان حقوقی که برای مرد ها
 مقرر گردیده قبول شده و در تمام دارالفنونهای بزرگ بروی آنها
 باز گردید .

این است مختصری از قوا این بسیاری که برای رفاهیت و آسایش جامعه در تحت نفوذ و سیاست زنهای نوع دوست وضع گردید که این رساله گنجایش ذکر تمام آنها را ندارد.

در حقیقت در آمریکا فرقی مابین زن و مرد نیست چنانکه احصائیه سنه ۱۹۲۳ نشان میدهد زنها در تمام شعب عالی و فنی داخل گردیده مساعد مردها شدند و جمعیت کاری دول متحده را دو برابر نمودند مثلاً در همان سال ۱۷۳۸ نفر زن در ادارات قضائی و کیل مرافعه و قاضی بودند و ۱۷۸۷ نفر زن از جمله واعظین و ناطقین بزرگ محسوب میشدند و ۷۲۱۹ زن در همان سال باهمان تحصیلاتی که مردها دارند دکتر بوده و در مطب های مخصوص خود یا در مریضخانه ها مشغول کار بودند و ۱۸۲۹ زن دکتر دندانسار و ۱۱۱۸ زن به شغل معماری و ۴۱ نفر زن مهندس بوده اند. در سایر فنون و رشته های مختلفه نیز عده زیادی از زنها دخالت داشته اند. حتی در کتفرانس خلع سلاح و اشنگتن نیز چهار نفر از خانمهای محترمه عضویت داشته اند.

در کار خانجات بزرگ آمریکا نیز زنها قسمت بزرگی داشته یک عده زیادی از کار گرها و کار فرماها را تشکیل میدهند. برای اطلاع خوانندگان محترم احصائیه عده زنهای کارگر را در کار خانجات مختلفه در سنه ۱۹۱۹ ذکر مینمائیم و باید دانست که در این چند سال اخیر بمراتب زیادتر شده اند.

در کارخانه های پنبه ریزی و پنبه بافی ۱۸۹۷۳۶ زن کارگر

« « « شیشه سازی و امثال آن ۱۰۴۱۰

« « « کاغذ سازی « « « ۱۰۸۵۲

۳۱۰۳۶	در کارخانه های لاستیک سازی و امثال آن
۱۰۲۳۳۹	« « « تنباکو و سیگار فروشی
۱۰۷۸۰۷	« « « مریاسازی
۶۲۹۲۰	در کارخانه های الکتریسته

زنهای که برای ماشین تحریر و غیره استخدام شده اند ۵۶۴۷۴۴

این احصائیه چند کارخانه معدودی است که برای مثل ذکر شد بطور کلی در چند سال اخیر زنها بملاوه اینکه کارهای خانوادگی را اداره کردند یک قسمت مهم کارهای سیاسی اجتماعی و اقتصادی آن مملکت را نیز اداره نمودند و به اهل عالم فهماندند که زنها از مردها کمتر نبوده و در آن واحد که وظائف فامیلی خود را اداره می کنند میتوانند نهایت مساعدت را به مردها نموده در انجام هر کاری با آنها شریک شوند. نه اینکه تصور شود شاید دخول زنها در مشاغل خارج از خانه باعث باز داشتن آنها از انجام تکالیف مادری میشود بلکه بر عکس زندگانی فامیلی که در دول متحده است سر مشق و ضرب المثل تمام عالم میباشد و باید مادران سایر ممالک رویه خانه داری و بچه داری را از زنهای امریکائی یاد بگیرند.

شاید بعضی ها ایراد کنند که زنها برای کار کردن بعضی موانع طبیعی از قبیل بار داری و غیره داشته و باعث زحمت آنها باشد. بلی این صحیح است و از همین جهت برای زنهای کارگر قوانین مخصوص و امتیازات زیادی معین شده است که در مواقع لزوم از آن امتیازات خود استفاده می کنند که شرح این قوانین و امتیازات باعث تطویل کلام شده مارا از مقصد اصلی دور میسازد. لذا بانچه ذکر شد

راجع به دول متحده کفایت نموده به ذکر موقعیت زن در بعضی از ممالک متمدنه^۱ دیگر میپردازیم .

* * *

ممالک بریطانیای عظمی

جزایر انگستان - همانطوریکه مساوات و آزادی و حکومت مشروطه در این مملکت تدریجاً تکمیل گردید زنها نیز بتدریج حقوق خود را تحصیل نمودند بدین معنی که مطابق شرح ذیل اول حقوق مدنی را دارا شدند و بعد حقوق سیاسی را .

در سنه ۱۸۶۹ یعنی در همان سالیکه زنها در (و یومینگ) دول متحده حقوق سیاسی را دارا شدند در انگلستان زنها حق انتخاب کردن هیئت بلدی را به دست آوردند و دیگر اقتدارات آنها محدود بود تا اینکه در سنه ۱۹۰۷ در اثر کشمکش زیاد حق انتخاب شدن در هیئت بلدی را نیز دارا شدند ولی در تمام مدارس بروی آنها باز بود و از نعمت تعلیم و تربیت مانند مرد ها بهره مند میگردیدند و خود را برای مقامات عالیتری حاضر میکردند تا اینکه پس از نهضت ها و شورش های زیاد در سنه ۱۹۱۸ که ۹ سال قبل باشد در تمام حقوق سیاسی واجتماعی با مردان یکسان گردیدند بغير از اینکه هنوز حق عضویت در مجلس اعیان « لرد » ها را ندارند .

در دو انتخاب اول فقط سه نفر زن برای پارلمان نماینده شدند که لیدی آستر مشهور یکی از آنها بود . ولی در انتخابات سنه ۱۹۲۴ هشت نفر از خانها برای نمایندگی انتخاب گردیدند و در تجدید

انتخابات ۱۹۲۴ چهار خانم انتخاب گردیدند که باز « لیدی آستر » یکی از آنهاست. این خانم محترم با وجود اینکه صاحب پنج اولاد میباشد کاملاً امورات خانوادگی خود را اداره کرده برای مداخله در امورات سیاسی مملکت انگلیس نیز وقت نگاه میدارد.

پس از اجرای قانون مساوات مابین زن و مرد در انگلستان اقدامات ذیل نیز تابع آن گردید.

۱ - متجاوز از چند صد نفر زن به مقام قضاوت محاکم عدلیه رسیده و عده زیادی بوکالت عدلیه قبول شده اند.

۲ - رتبه مهندسی و جراحی و تخصص در بعضی علوم که تا آنوقت اختصاص به مردها داشت برای زنها نیز میسر گردید.

۳ - از این بیعد پسر و دختر مطابق قانون باید بطور مساوی از مایترک در گذشتگان خود ارث ببرند.

۴ - برای محافظت از بیوه زنان و اطفال یتیم و زنهاى حامله قوانین بسیار مفیدی وضع گردیدند بطوریکه یک نفر خانم در اداره حکومتی لندن شغل مخصوصش اینست که مواظب ترقی و تربیت عموم اطفال باشد.

روی هم رفته آزادی و موقعیت خوب و مناسب زنهاى انگلیس را کمتر متلی دارد.

آسترالیا

در استرالیا نیز زنها مابین سنوات ۱۸۶۱ و ۱۸۸۶ به تدریج حقوق انتخابات بلدی را دارا شدند و به همان رویه خانمهای انگلیس مشی

میکردند ولی بواسطه کمی موانع و احتیاج مملکت به جمعیت زیاد در سنه ۱۹۰۱ یعنی ۱۷ سال قبل از اینکه در انگلستان زنها به عضویت پارلمان انتخاب شوند آنها بهمان شرایط مردان تمام حقوق سیاسی را تحصیل کردند.

در سنه ۱۹۱۰ وقتیکه زنهای انگلیس در انقلاب و جوشش بوده حقوق سیاسی خود را مطالبه میکردند شرح ذیل از طرف مجلس سنا و مجلس شورای استرالیا برای رئیس الوزرای انگلستان نگاشته شد :

« از آنجائیکه مجلس سنا و شورای ملی استرالیا پی بوجوب اعطای حقوق سیاسی به زنها و مداخله آنها در انتخابات برده و بانها از هر حیث مساوات در حقوق با مردان عطا کرده است امور انتخابات يك جریان بهتری به خود گرفته یعنی به مناسبت حضور خانمها در موقع رأی دادن، مردها نیز بانهایت ادب رفتار کرده و بایک سکوت و آرامش تامی انتخابات خانمها پیدا نموده و از همه مهم تر عده رأی دهندگان کاملاً نسبت به سیاق مضاعف شده است و حقیقه اکثریت ملت را نشان میدهد و در نتیجه قوانین زیادی برای محافظت اطفال که سرمایه آتیۀ مملکت هستند وضع گردیده است. لذا از آنجائیکه مداخله و مشارکت زنها در سیاست و اداره مملکت جز فوائد حسنه چیز دیگری نداشته است ما اهمیت این نکته را خاطر نشان عموم ملی که دارای حکومت ملی میباشدند مینمائیم که هر چه زود تر از وجود زنها در مملکت خود استفاده برده بانها مانند مردان تمام حقوق سیاسی و مدنی را عطا کنند »

در نتیجه مداخله زنها در سیاست قوانین بسیار مفیدی از قبیل منع شرب آلكل برای اطفالی كه سنشان کمتر از شانزده میباشد و تشكيل « پانسیونهای » مخصوص برای مادر اینكه عده معینی اطفال دارند و از عهده تربیت و اداره مخارج آنها بر نمي آیند و بستن درب فواحش خانه و غیره وضع گردیده است .

* * *

نیوزیلند

یکی از ممالکی كه زنها ترقیات فوق العاده کرده و ملت و مملكت خود را خوشبخت ساخته اند نیوزیلند است . در سنه ۱۸۸۶ زنها حقوق بلدی را دارا شده و در سنه ۱۸۹۳ حق رای دادن بانها داده شد تا اینکه در ۱۹۱۹ حق انتخاب شدن را هم به دست آورده در تمام حقوق با مردها مساوی شدند .

یکی از نتایج مهم مداخله زنها در امور مملکتی تشكيل محكمه ایست با اسم (جوونیل كورٹ) مخصوص اطفال كه در صورت صدور خطائی آنها را تا وقتیکه سنشان کمتر از چهارده سال است باین محكمه جلب می کنند و در انجا تنبیه های مخصوص برای اطفال معین نموده اند . مثلاً اگر بچه را يك روز پلیس در كوچه به بیند كه از مدرسه فرار کرده از راین محكمه جلب می كند و پس از استنطاق در صورتیکه تقصیر داشته است او را تا مدت يك ماه یا کمتر در مدرسه كه پهلوئی همان محكمه است می گذارند بدون اینکه اولیائش را به بیند و اگر برای دفعه دوم مرتكب چنین خلافی شد او را به مدرسه بیلاقی میفرستند كه در آنجا باید تا مدت شش ماه در مزرعه كار بكند . برای

مرتبۀ سوم هم تنبیهات سخت تری معین شده ولی خوشبختانه در این چند سال هنوز طفلی مستوجب تنبیه درجه سوم نشده است. برای دخترها نیز همین رویه با بعض تغییرات مجری میشود. منتهی خیلی کم دخترها مرتکب خلافی میشوند. فواید این محکمه در تهذیب اخلاق اطفال بسیار است مخصوصاً در روحیات آنها زیاد مؤثر است. مثلاً اگر طفل دوازده ساله مرتکب خطائی شد و یکی دو مرتبه به نظمیه جلب و یا محبوس گردید دیگر با اصطلاح حیا و شرم فطریش از میان رفته مرتکب هر قسم جنایت و خطائی میشود بدون اینکه از پلیس و نظمیه واهمه داشته باشد ولی چنانکه در «نیوزیلند» تجربه کرده اند پس از تشکیل محکمه اطفال عدّه خطاکاران و مقصرین سال به سال کمتر گردیده است.

اتحاد افریقای جنوبی

در سنه ۱۹۱۷ زنها حقوق بلدی را دارا شده و در سنه ۱۹۲۳ تمام حقوق سیاسی را تحصیل نمودند.

* * *

رودسی

در سنه ۱۹۱۹ زنها دارای حقوق سیاسی و مدنی شده و فعلاً يك نفر زن هم در پارلمانشان عضویت دارد.

* * *

افریقای شرقی

در اینجا هم زنها مانند مردان در سنه ۱۹۱۹ دارای حقوق سیاسی و مدنی شدند .

* * *

هندوستان

در هندوستان که مردها از بسیاری از حقوق سیاسی محرومند دیگر از زنها نباید توقع داشت ولی با وجود این در پنج ایالت مثل مدرس و بمبئی زنها حق رای دادن برای انتخابات سیاسی دارند ولی حق انتخاب شدن را ندارند . در سنه ۱۹۲۲ حق انتخاب کردن را به زنها بر هائی داده اند بدون حق انتخاب شدن ولی در انجمن های بلدی عدّه از زنها عضویت داشته بسیاری از کارهای مفید عام المنفعه را متکفل شده اند و روی هم رفته زنها در هندوستان آتیه خبیلی روشنی دارند . عدّه زیادی از کالج ها و مدارس عالیّه مخصوص آنها تأسیس شده و نویسندگان بزرگ مابین آنها پیدا گردیده است . یک خانم بر هائی که اسمش مسیزفیدو است امروزه جانشین گاندی معروف و رئیس ملیون هندوستان میباشد و در موقع نطقش هزاران نفوس جمع میشوند که بیانات مؤثر او را بشوند .

روزگاہ علوم انسانی و مطالعات عربی
رتال جامع علوم انسانی

فلسطین

زنها یهودی در تمام حقوق سیاسی با مرد های یهودی یکسان میباشند و عدّه از آنها برای انجمن های بلدی انتخاب گردیده اند ولی در مجلس ملی فلسطین بمناسبت اینکه هنوز مسلمانها اکثریت

دارند دولت بریتانیا به زنها اجازه انتخاب کردن را نداده است .



کانادا

متجاوز از سی سال قبل زنها در کانادا حقوق بلدی را دار شدند ولی در سنه ۱۹۱۶ بود که در تمام حقوق سیاسی نیز با مردها مساوی شدند « و میس مک فان » که برای عضویت پارلمان انتخاب شده است دارای نفوذ غربی بوده مخصوصاً برای منع شرب الکل و سایر خجایع اجتماعی اقدامات شایانی نموده است .

بنا بر احصائیه فوق معلوم شد که دولت انگلیس تقریباً در تمام متصرفات و ممالک تحت الحمایه خود زنها را از حقوق طبیعیشان محروم ننموده است و حتی المقدور خواسته است آنها را در کلیه امور شرکت دهد .



فنلاند

تقریباً در شصت و چهار سال قبل زنها در این مملکت دارای حقوق بلدی بودند ولی در سنه ۱۹۰۷ در تمام حقوق مدنی با مردها مساوی شدند چنانکه در انتخاب اول نوزده نفر زن وکیل و در انتخاب دوم ۲۵ نفر و بعد از آن هم همیشه متجاوز از بیست نفر زن در حزبهای مختلف پارلمان وجود داشته اند . بطور کلی نفوذ زنها در این مملکت خیلی زیاد است بطوریکه در زمان استبداد روسیه زنها بودند که مقاومت شدیدی بر علیه روسها نموده بالاخره موفق شدند که جمهوریت مملکت خود را اعلان کنند . همانطوریکه

در سایر ممالک زنها بیشتر متوجه محافظت جامعه بوده قوانین وضع کردند در این مملکت نیز برای منع فروش الكل بجز به دواخانه ها و مساعدت با مادر های فقیر یا بار دار و بر انداختن فاحشه خانه ها اقدامات شایانی نمودند .



سوئد

در سنه ۱۸۶۲ زنه های با شوهر حق انتخابات بلدی را در این مملکت داشته و در سنه ۱۹۰۹ زنهائی که مقداری مالیات میپرداختند دارای حقوق مدنی شدند و در سنه ۱۹۱۸ قانون اساسی سوئد تغییر کرده مساوات زن و مرد را در تمام حقوق بلدی اعلام نمود و در اولین انتخاب چهار نفر خانم در پارلمان و یکی به عضویت مجلس سنا انتخاب گردیدند .

از جمله اقدامات مفیده زنها در سوئد منع رفتن اطفال است به سینما های مهیج که افکار آنها را خراب می کند . بنا بر این هیچ طفل کمتر از ۱۸ سال در سینما های عمومی دیده نمیشود بلکه برای آنها سینماهای اخلاقی مخصوصه داده نمودند . دیگر تأسیس کتابخانه بزرگی است در هر شهری برای اطفال که افکار آنها از خواندن هر قسم کتاب نامناسبی مشوش نشود . روی هم رفته در بسیاری از قوانین که در پارلمان بحث میشود مخالفت و موافقت این چند نفر خانم و کیل که هر يك فرا کسیوز، و حزب مخصوصی دارند در رد و قبول آن پیشنهاد مدخلیت بزرگی را داراست .



زروز

در ۲۵ سال قبل زنها دارای حقوق بلدی شده و در مرتبه اول
 نو دو هشت نفر زن در جزو هیئت بلدی انتخاب شدند در سنه ۱۹۰۷
 بزنهائیکه دارای مایملکی بودند حقوق انتخابات سیاسی نیز عطا شد
 ولی سال بعدش در قانون اساسی زروز ذکر گردید که زنها از هر
 حیث در حقوق با مرد ها مساوی میباشند و در همان سال يك نفر خاتم
 رای عضویت پارلمان انتخاب گردید. زنها در زروز به وزارت نیز
 رسیده در بعضی کابینه ها عضویت داشته اند و حتی یکی از نمایندگان
 زروز در مجلس بین الملل يك نفر زن میباشد که اسم او مادام
 « کجاسبرک » است.



دانمارک

در سال ۱۹۰۸ زنها دارای حقوق بلدی شدند و در سنه ۱۹۱۵
 مساوات تام آنها از هر حیث با مرد ها اعلان گردید و فعلا ۶ نفر زن
 در مجلس سنا عضویت دارند و در سنه ۱۹۳۴ يك نفر از خانمها که
 امش مادام « بانگ » است وزیر معارف دانمارک گردید
 در دانمارک نیز زنها برای محافظت اطفال و تعیین مستمری برای
 زنهای با شوهر و تاسیس مریضخانه مخصوص برای اطفال و غیره
 اقدامات مفیدی نمودند. در دیوار مجلس شورای دانمارک این عبارت
 نقش است « باتفاق کار کنید هر چند در شخصیت مختلفید و همیشه
 در نظر داشته باشید که زن زن است و مرد مرد »



آیسلند

در چهل و سه سال قبل زنهای مستقل یعنی آنهائیکه شوهر نداشته اند در آیسلند حق انتخابات بلدی را داشته اند ولی در سال ۱۹۰۲ این حق به عموم زنها داده شد و در سنه ۱۹۱۴ پس از سن ۲۵ سالگی زنها در تمام حقوق سیاسی با مردها شریک شدند و در سال ۱۹۲۲ چهار نفر از خانمها برای پارلمان منتخب گردیدند و بسیار قوانین مفید از قبیل منع شرب الکل و محافظت اطفال و غیره را از مجلس ملی گذرانیدند .



روسیه

قبل از انقلاب ۱۹۱۶ مردها در روسیه چندان آزادی نداشتند تا چه رسد به زنهای ولی در « فوریه » همین سال اعلان گردید که تمام اهالی که سنشان به ۲۵ رسیده از زن و مرد حق انتخاب بلدی را دارند . بعد از یک سال از این تاریخ ، زن و مرد پس از سن ۲۲ سالگی از هرجهت در حقوق بلدی و سیاسی مساوی گردیدند و در همان سال یکی از خانمها « کونت پانین » وزیر فواید عامه گردید . در قانون اساسی دولت سویت راجع به انتخابات این کلام نوشته شده است .

« بدون رعایت مذهب ، ملیت و نژاد تمام اهالی سویت روسیه که سنشان به هیجده رسیده است خواه زن و خواه مرد حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارند بجز مردهائیکه مشغول کارهای با فایده نیستند ولی زنها چون فامیل را اداره می کنند خواه به کاری مشغول

باشند یا نباشند حقوق خود را دارا خواهند بود»
 از جملات فوق معلوم میشود که زنها مقامشان در جامعه طالبتر از
 مردها میباشد زیرا در آن واحد با آن فطرت ملائمی که دارند میتوانند
 کارهای مردان را انجام داده و ظایف مادری خود را نیز انجام دهند
 و هیچوقت نمیتوان یک نفر زن را در جامعه وجود بی ثمر خوانند
 زیرا دائماً مشغول است در صورتیکه این صفت در حق بسیاری از مردان
 ممکن نیست اطلاق شود.



لهستان

در سال ۱۹۱۸ و قبیله استقلال این مملکت اعلان شد قانون
 اساسی برای خود تشکیل دادند و در آن قید شد که زن و مرد در تمام
 حقوق بلدی با یکدیگر مساوی میباشند و در اولین انتخابات هفت
 نفر خانم برای پارلمان انتخاب گردیدند و در وضع قوانین عام المنفعه
 اجتماعی از قبیل منع شرب الکل و تعیین پستهای قابلکی و محافظت
 اطفال و غیره جدیت کامل نمودند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی
لیتوانی

در سال ۱۹۱۸ و قتیکه جمهوریت این مملکت کوچک اعلان گردید
 زنها نیز از تمام حقوق خود استفاده نمودند و در مرحله اول شش
 نفر زن را برای وکالت در مجاس ملی انتخاب کردند.



لیتونی

در این مملکت هم در سال ۱۹۱۸ مساوات حقوق زن و مرد اعلان گردید و در همان سال هفت نفر زن جزو وکلاء انتخاب گردیدند و از اثر مجاهدت آنها برای زنهای بار داری که در کارخانه ها کار می کنند چهار هفته قبل از زائیدن و هشت هفته بعد از آن با استفاده از حقوق ، راحتی معین گردید و برای زنهای کارگر شپرده یکساعت کمتر در شبانه روز کار معین شده است همینطور برای اطفال کوچکتر از ۱۴ سال فقط چهار ساعت در روز کار معین کردند که از نشو و نمای آنها جلوگیری نشود .

* * *

استونی

در سال ۱۹۱۸ وقتیکه قانون اساسی تشکیل شد و مملکت مستقل گردید زن و مرد در حقوق مساوی گردیدند و در انتخابات اول هفت نفر زن برای نمایندگی انتخاب شدند .

* * *

پروچسکاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی اوکراین

هر چند این مملکت استقلال نام نداشته در تحت نظریات دولت سویت اداره میشود ولی باز ۹ نفر زن در جزو وکلا و مجالس ملی میباشند .

* * *

آلمان

قانون اساسی ۱۹۱۸ ابداً فرقی در حقوق مدنی مابین زن و مرد

نگذاشته چنانکه در اولین انتخابات آنسال سیصد و ده نفر زن کاندید وکالت بوده و مابین آنها چهل و یک نفر به وکالت انتخاب شدند یعنی از ۴۲۳ نفر وکیل ۴۱ نفر زن بوده است. در انتخابات ۱۹۲۲ فقط ۲۴ نفر زن در مجلس نماینده بوده ولی عده زیادی، مشاغل خیلی مهمی را در حکومت دارا بوده و هستند. از اثر مجاهدت این خانمها بود که صدها قوانین مفید اجتماعی وضع گردید من جمله قانون مایه صحیحی عروس و داماد قبل از ازدواج است که بوسیله دکترهای مخصوص دولتی مجری میشود و هیچ از دواجی بدون تصدیق رسمی این اطباء رسمیت ندارد اهمیت این قانون در ترقی نژاد آتیه آن مملکت واضح و محتاج به شرح نیست.

* * *

اطریش

در اکتوبر ۱۹۲۰ زنها در حقوق سیاسی و مدنی با مردها یکسان شدند و در انتخابات همان سال عده رأی دهندگان زن زیاد تر از مرد بود باین ترتیب که در پایتخت که وین باشد از مابین پانصد و نه هزار مرد فقط چهار صد و چهل هزار نفر رأی دادند ولی از مابین ششصد و چهار ده هزار زن چهار صد و نود و پنج هزار نفر رأی دادند. فعلا هشت نفر وکیل زن در پارلمان است که شش نفر آنها جزو حزب سوسیالیست میباشد.

* * *

هنگری

در انقلاب ۱۹۱۸ زنها حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را

بدست آوردند ولی نه بهمان شرایط مردها بدینمعنی که مردها با وجود بی سوادى در سن ۲۱ سالگی حق رای دادن را دارند ولی زنها باید با سواد بوده و ۲۴ سال هم داشته باشند .

* * *

چکوسلاواکیا

در ۱۹۱۸ زنها دارای حقوق سیاسی شده بهمان شرایط مردها و در انتخابات همان سال چهارده نفر زن برای پارلمان و سه نفر برای مجلس سنا انتخاب گردیدند . قانون ازدواج اجباری و معاینه دکتر قبل از عروسی و محدود کردن شرب الکل و قوانین دیگر از اثر اقدامات این خانمها وضع گردید .

* * *

هلاند

در سال ۱۹۱۸ زنها حق انتخاب کردن را تحصیل نمودند ولی حق انتخاب شدن را بعد از یکسال ذرا شدند در انتخابات ۱۹۲۲ هفت نفر زن را برای عضویت پارلمان انتخاب کردند که هر یک جزو حزبی بودند .

* * *

لوکسمبورغ

در ۱۹۱۹ وقتیکه قانون اساسی تجدید نظر شد بدون اینکه زنها تظاهراتی نموده در خواستی کنند حقوق سیاسی و مدنی مطابق مردها بآنها داده شد .

* * *

بلژیک

در سال ۱۹۲۰ زنهای بلژیک دارای تمام حقوق سیاسی و اجتماعی
 شده در سال ۱۹۲۱ مادام اسپالک جانسون رای مجلس سنا انتخاب گردید.

* * *

اسپانی

در سال ۱۹۲۴ وقتیکه « ریورا » رئیس الوزراء بود حق رأی
 دن را به عده معدودی از زنها داد حتی زنهای دکتر و پرفسور حق
 انتخاب شدن را هم دارند ولی بطور کلی نهضت زنها در این مملکت
 خیلی ضعیف بوده هنوز تمام حقوق خود را دارا نشده اند.

* * *

رومانی

در سال ۱۹۱۹ زنها حقوق مدنی خود را بدست آوردند
 در سال ۱۹۲۰ پیشنهادی به مجلس سنا شد که مساوات حقوق زن
 مرد را اعلام کنند ولی بواسطه تغییرات در حکومت این پیشنهاد
 مل ماند. در هر صورت نهضت زنها در رومانی بواسطه تشویقات
 که عالمه که دارند خیلی قوی است بطوریکه نماینده رومانی در
 سن بین الملل مادموزل واکارسکو میباشد و ممکن است در همین
 ماه دارای تمام حقوق سیاسی بشوند.

* * *

در سایر ممالک متمدنه دنیا مثل ژاپون ، ممالک امریکای
 رومی ، یونان ، ترکیه ، ایتالیا ، سویس ، فرانسه و غیره نهضت‌های

زنانه خیلی قوی بوده و در مذاکره هستند که عنقریب حقوق سیاسی به زنها بدهند ولی در تمام این دول زنها حقوق بلدی را دارا بوده و در اغلب ادارات مهم عضویت پیدا کردند. منتهی به بعضی علل مذهبی و سیاسی هنوز موفق نشده اند که حقوق پلتیکی خود را تحصیل نمایند. بطور کلی ممالکی که مردمانش اکثر کاتولیک و ارتودکس میباشند نفوذ کشیشها از مساوات جنسین تا اندازه جلوگیری کرده است. مثلاً فرانسه یکی از ممالکی است که زنها در علوم و فنون خیلی ترقی کرده اند و دارای نهضت و انجمن های مرتب قوی میباشند ولی به دو علت هنوز بانها حقوق سیاسی داده نشده یکی اینکه اکثریت مردم کاتولیک هستند و هنوز نفوذ رؤسای روحانی در افکار ملت و دولت زیاد است دیگر اینکه فرانسویها خیال می کنند اگر به زنها حق رای و مداخله در سیاست را دادند بواسطه سیاست صلح طلبانه که زنها دارند از قشون و قوای جنگی فرانسه خواهند کاست و شاید آنوقت در مقابل رقیب دیرین خود آلمان تاب مقاومت را نداشته باشند بنا بر این با وجود اینکه زنها هر روز شورش میکنند و یک عده زیادی هم در مجلس مبعوثان موافقت به اعطای حقوق سیاسی به زنها دارند چون اکثریت در مجلس سنا مخالف است بهمان نظریه که ذکر شد از مداخله زنها در سیاست جلوگیری می کنند.

در فرانسه زنها هر روز مجلات و جرایدی برای درخواست حقوق خود طبع و توزیع مینمایند و حتی در تمام شهرهای کوچک مؤسسه و جمعیتهایی برای این مقصود تشکیل داده اند مثلاً روزنامه « لافرانسز » و مجله « حقوق زن » و مجله « آزادی رأی برای زنها »

از طرف انجمن « اتحاد زنهای فرانسه برای تحصیل حق رای » هر هفته طبع و منتشر میگردد

راستی از همه مضحك تر این است که چندی قبل در پارلمان فرانسه رای دادند که موقع جنگ ملی زنها نیز مجبورند برای مدافعه دشمن صف آرایی کنند. در این موقع حملات سخنی در روزنامه ها از طرف نهضت‌های زنانه به پارلمان شد بدین معنی که زنها در صورت نداشتن نماینده در پارلمان چطور شما حق دارید چنین قانونی برای آنها وضع کنید. شما که می گوئید دموکراسی در فرانسه از همه جا زیادتر است آیا این عدالت است که نصف بلکه اکثریت یک ملتی بنده واسیر اقلیت باشند؟ آیا این رفتاری نیست که در زمان توحش نسبت به بنده و زرخیزدهای خود می نمودند و حال شما نسبت به زنهای مملکت فرانسه مینمائید. راستی هم خیلی خنده اوراست که در چنین مملکتی که خود را پیشقدم در راه آزادی و مساوات میدانند چنین ظلم فاحشی نسبت به مهمترین عامل حیات ملی خود نمایند. در صورتیکه یقین است اگر در فرانسه زنها حقوق سیاسی خود را دارا شوند از بسیاری فجایع اجتماعی فرانسه جلوگیری خواهند کرد و از کم شدن جمعیت فرانسه و خراب شدن نژاد که مستلزم اوضاع کنونی آن مملکت است دفاع خواهند کرد چنانکه در سایر ممالک کرده اند و دیدیم در هر مملکتی که زنها بمقامی رسیدند اول اقدامشان منع شرب الکل و اصلاح قوانین از دواج و محافظت اطفال که آتیه هر ملتی منوط بانها است بوده و البته فرانسه هم محتاج این اصلاحات میباشد زیرا بقدری فساد اخلاق و زیادی شرب الکل در نژاد آن مملکت اثر کرده که



پروفسور کاکا سونم اسانی و مطالعات فرانسوی
پرتال جامع علوم انسانی

دولت هانم رئیس کلوب ورزش زنان در ترکیه



زنان چینی در علم طب فوق العاده ترقی نموده اند . اینک عکس شش نفر از خانمهای دکتر چین که در آن مملکت وسیع مشغول نوع پروری هستند .

پرو. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

جمعیتش روز به روز کم تر میشود مثلاً کمتر زن و شوهری هستند که بیش از دو طفل را بزرگ کرده به حد رشد برسانند هموما بوسایلی متشبت میشوند که از داشتن اطفال محروم بمانند. این مسئله خاطر علمای اجتماعی فرانسه را جدیداً به خود جلب نموده در فکر علاجي برای آن هستند در صورتیکه تنها وسیله مداخله زنهاست در حکومت و سیاست داخلی و خارجی آن مملکت و عنقریب مجلس سنای فرانسه این تشخیص را داده بیشتر از این آن مملکت را در خطر فساد اجتماعی نخواهد گذشت.

جهان زنان

یکی از اقدامات قابل تمجید زنان در عالم تاسیس « انجمن بین المللی زنهاست » که هر ساله نمایندگان انجمنهای ملی تمام زنها در عالم در يك مرکزی جمع شده و برای ترقیبات نوع خویش تبادل اراء نموده چاره جوئی مینمایند چنانچه در همین سال از هفتم تا هیفدهم ژون در شهر « ژنو » متجاوز از دو بیست و پنججاه نفر خام محترم که از طرف انجمن های ملی سی و چهار مملکت نمایندگی داشتند جمع شده در مصالح عالم انسانی بحث و گفتگو نمودند. کمسیونهای متعدده این کنگره که هر يك وظایف مخصوص را انجام میداده از قرار ذیل بودند:

اول کمسیون مالیه که در خصوص اطانه و مساعدتهای مالی انجمن بین الملل زنها تبادل اراء می نموده و موجودی صندوق را به دو هزار ششصد پوند انگلیسی تعیین نمودند که برای مصارف لازمه سنه آتی به انجمن مصرف شود.

دوم کمیون مطبوعات که راجع به تاسیس بعضی روزنامه و مجلات زنانه در شهرهای مختلفه برای روشن کردن افکار عامه مذاکراتی نموده در پیشرفت این مقصد تدبیرات لازمه تهیه نمودند . سوم کمیون صلح و خلع سلاح که در نهم « ژون » با حضور نمایندگان بیست و شش مملکت تشکیل شده مذاکرات مفیده برای تامین صلح عالم نمودند و هر یک از نمایندگان عقیده و اشکالات مملکت خود را ذکر نموده اظهار کردند که بواسطه مطبوعات و نطقها اهمیت محدود کردن قوای نظامی و تامین صلح عام را باهالی مملکت خود بفهمانند . یکی از تصمیمات این کمیون این بود که در مواقع تعطیل تابستان که محصلین تمام دارالفونهای اروپا و آمریکا بیکارند فرصت را غنیمت شمرده در یکی از شهرهای اروپا کنگره از محصلین تشکیل شود که جوانهای تحصیل کرده ممالک مختلفه که تامین صلح اتمه عالم در دست آنهاست گرد هم جمع شده و تعصبات وطنی و نژادی خود را کنار گذاشته برای فراهم آوردن صلح عمومی در عالم جدیت کنند . در اثر اقدامات مجدانه این خائهای محترم در همین تابستان کنونی که این اوراق را مینویسیم کنگره محصلین در پایتخت (چکواسلواکیا) تشکیل شده از تمام ملل اروپا و آمریکا نمایندگان محصلین حضور داشته با نهایت محبت و یکرنگی با هم عقد اتحاد برای جلوگیری از جنگ و برافراشتن علم صلح بسقند مثلا محصلین آلمانی و فرانسوی که بر حسب تعصبات ملی خود به خون خود تشنه هستند در آنجا مانند دو برادر گرد هم آمده برای منافع نژاد و نوع انسان تبادل افکار نمودند . در کنفرانسهای رسمی این کنگره زبان اسپرانتو وسیله

اظہار مطالب بوده است زیرا اغلب محصلین این زبان را میدانستند .
 بنا بر این ملاحظه میشود که خانمها برای برپا داشتن علم صلح و سلام
 بیشتر جدیت دارند چه در موقعیکه کنفرانس و اشنگکنن برای محدود
 کردن قوای بحری در کشمکش بود . مناسبات روس و انگلیس
 تاریک شده خیمه صلح عالم در خطر بر افروختن بود زنها برای تامین
 صلح محصلین و محصلات را در مرکزی جمع کرده در قلوب آنان نقشه
 صلح را مرتسم مینمودند . انیست تفاوت احساسات جنس لطیف
 و آنهاییکه به تهور و جنگجوئی عقیده دارند . من ایمان کامل
 دارم که صلح در عالم غیر ممکن است مگر اینکه زنها دا من همت
 را بر مکر زده با آن عواطف و احساسات نوع پروردی خود خیمه آن
 را بلند کنند .

چهارم کمیون حقوق و مقام قضائی زن در عالم است که در دهم
 ژون تشکیل گردید و راجع به مطالب مهمه مربوطه مذاکره کردی شد . از
 جمله در خصوص مردهائیکه فامیل خود را ترک کرده بدون مخارج می
 گذارند و به شهرهای دیگر مسافرت می کنند بعضی تصمیمات لازمه
 گرفته شد همینطور راجع به ملیت زنهاى شوهر دار مذاکرات مفیده
 مطرح گردید .

پنجم کمیون حق رای و طلب آزادی سیاسی برای زنها که در
 هشتم ژون تشکیل گردید و حالات ممالک مختلفه مطرح شده دستورات
 لازمه برای مجامع ملی زنهاى ممالکی که هنوز دارای حقوق سیاسی
 نشده اند تعیین گردید . از جمله ممالکی که جدیداً در آمریکای جنوبی
 حقوق سیاسی زنها را عطا کرده است مملکت آرژانتین است که از

طرف این کمیون تشکرات لازمه به هیئت آن دست اظهار گردید
 هشتم کمیونی اتحاد اخلاقی و ضد فجایع اعمال است که در هشتم
 ژون تشکیل شده نمایندگان ممالک مختلفه نظریات خود را در خصوص
 جلوگیری از آزادی فاحشه خانه و منع شرب الکل و غیره اظهار داشتند
 و تصمیم گرفته شد که در هر مملکتی مجامع مخصوص برای پیشرفت
 این مقصد تاسیس کنند و را پورت اقدامات خود را به کنگره
 سنه آینده بدهند. از جمله انجمنهای مفیدی که برای این مقصد تاسیس
 شده است یکی انجمن صحیحی زنهاست در امریکا و دیگری کمیته صحیحی
 زنهاست در فرانسه که به خدمات بزرگی در راه حفظ الصحه مملکت
 خود موفق و از فجایع اخلاقی جلوگیری کرده اند

هفتم کمیون حفظ الصحه عمومی است که به مساعدت قسمت
 صحیحی انجمن بین المللی در ممالک مختلفه خدمات شایانی را انجام داده را
 پورت اقدامات خود را در این کمیون مطرح کردند. مخصوصاً در
 قسمت جلوگیری از امراض تناسلی و تلفات مادر ها و امراض اطفال
 مباحث مفیده شده برای ممالک مختلفه تصمیمات قطعی گرفته شد

هشتم کمیون تعلیم و تربیت که در تحت ریاست پروفیسور دیتنی
 تشکیل شد و در پرگرامهای مختلفه مدارس مقدماتی و عالیہ تجدید
 نظر گردید مخصوصاً در قسمت تعلیم و تربیت اجباری مقدماتی و تعلیمات
 عالیہ زنها مدتی مذاکره شده نمایندگان هر مملکتی دستورات
 مخصوص برای اقدامات خود اخذ کردند.

نهم کمیون مهاجرت بین المللی بود که در نهم ژون تشکیل گردید
 و با حضور نمایندگان ملل مختلفه نتایج مفیده به دست آمد.

دهم کمیون زنهای کارگر در ممالک مختلفه است که راجع به تعیین ساعات کار و نگاه داشتن اخلاق و حفظ الصحه زنها در کارخانه ها مذاکرات کافی به عمل آمده تصمیات لازمه اتخاذ گردید .

یازدهم کمیون محافظت جوانهاست که در تحت ریاست « لیدی آر بردن » که امروزه از محترم ترین خانمهای عالم است و چندین سال است کنگره زنها در تحت ریاست او منعقد میگردد تشکیل گردید و راجع به طریقه جلوگیری از فساد اخلاق جوانها مذاکرات زیادی شده مخصوصاً در قسمت رفتن جوانها به تیاتر ها و سینماها بعض تصمیات گرفته شد که توسط کمیون انجمن بین المللی تقاضا شود که به موقع اجرا گذارند . من جمله اینکه از نشان دادن دادن سینما هائیکه افکار جوانها را به طرف جنک و خونریزی سوق میدهد جلوگیری شود و در عوض سینما های اخلاقی نشان داده شود .

این بود خلاصه از اقدامات این انجمن بین المللی زنها که سالی یک مرتبه تشکیل میشود ولی دفتر و اداره آنها در تمام سال دائر است و راپورتهای اقدامات زنها را در ممالک مختلفه عالم در تحت نظر در میاورند و اگر اشکالی برای آنها پیدا شود مدافعه می کنند چنانچه در خصوص دادن اختیارات پلتیکی و حق رای به زنها در فرانسه این مؤسسه اقدامات شایانی نموده است .

خیلی جای تأسف است که هندوها در این کنگره چهار نفر نماینده داشتند اما یک نفر خانم ایرانی در انجا حاضر نبود که از طرف شش ملیون خواهران خود اظهار عقیده نماید و برای خلاصی آنها از اسارت کنونی استمداد جوید . زیرا این خانمهای محترم در هر سال برای این جمع میشوند

که در موقعیت کنونی زنها تغییراتی داده بانها کمک کنند و عالم انسانی را دارای دو بال نمایند چنانچه در همین موقع یکی از خانمهاثیکه عضو حامل و رئیس کمیونی خلع سلاح بود قبل از تشکیل کنگره بواسطه سابقه که با بنده داشت مکتوبی نوشته را پورقی از حالت و موقعیت زنها در ایران خواست که به دفتر کنگره تقدیم داشته توجه آنها را به طرف زنهای اسیر ایران جاب نماید ولی یقین است که تا نمایندۀ از خود آنها حضور نداشته باشد اقدامات کافی به عمل نخواهد آمد.

* * *

بنا بر شرحیکه داده شد معلوم گردید که عصر سوم که ما آن را عصر پدری خواندیم با سرعت هر چه تمامتر دارد خاتمه پیدا می کند و یک قرن جدیدی که اساس و بنای آن بیشتر بر روی عواطف زنها قرار گرفته پدیدار است برای اتکاء و ثبوت عقیده خود بیان یکی از بزرگان عالم را ذکر می کنم که گفته است :

« عالم در قدیم بواسطه تقوُّذ قدرت و توانائی اداره میشد و چون مرد دارای بنیه و قوه بدنی زیادتری از زن بود به حکم اجبار در عالم حکومت کرده زن را وسیله راحتی خود میدانست ولی حال در اثر ترقیات کون و پیشرفت عالم تمدن دیگر زور بازو وسیله محکم نیست بلکه فراست و دانش و حس خدمت و محبت باعث برتری و رجحان است . بنا بر این عصر جدید را که بنای آن خدمت به انسانیت و با احساسات زنانه نزدیک تر است میتوان عصر « مادری » دانست و یا به عبارت دیگر قرن نیست که زن و مرد مانند دو بال یک

پرنده برای ترقی عالم کوشیده قوای هیچیک بر دیگری غلبه نخواهد نمود بلکه برای پرواز توازن هر دو قوا لازم است . «

گمان می کنم بیان این شخص بزرگ روح این عصر است و بعد از این جامعه بشری مطابق دستور او اداره خواهد شد . هر چند امروزه فلاسفه و علمای اجتماع در دریای فکر و تعمقند و میخواهند با معلومات و تجربیاتی که دارند جواب این سؤال را تهیه نمایند که عالم در آتیه چه شکلی به خود گرفته این دو عامل مهم جامعه که زن و مرد باشند کدام تفوق خواهند داشت و جامعه بشری بچه نحو اداره خواهد شد . حال چه جوابی برای حل این سؤال مشکل پیدا کنند کاری نداریم همینقدر ملاحظه می شود که زنها امروزه در عالم از مقام خود راضی نبوده بوسایل مختلفه متشبث میشوند که حقوق باعمال شده خود را دومرتبه بدست بیاورند . باوجود اینکه همیشه ترقیات اجتماعی تدریجی و خیلی آهسته میباشد امروزه ملاحظه میشود که در اغلب ممالک عالم زنها تا اندازه موفق شده و آفتاب سعادت آنها طلوع کرده است . این حس شورش و حرارتی که امروزه مشاهده میشود در نتیجه سالها زحمت و کوشش ما درها بوده یعنی همینطوریکه از عهد اولیه اقتدار و حکومت پدر شاید هزاران سال طول کشید تا مادر امتیازاتی تحصیل کرد حال نیز از عهد سوم یعنی تجدید تسلط پدر شاید هزاران سال می گذرد تا اینکه نتیجه امروزه مشاهده می شود پس زنها نباید منتظر باشند که در اثر اقدامات جزئی خود فوراً نتایج کلی بگیرند زیرا در مراسم و عاداتیکه در جامعه معمول است تدریجاً تغییراتی پیدا میشود .

امروزه زنهای عالم خصوصاً زنهای شرق بالاخص زنان ایران باید تمام سعی و همت خود را مبذول این دارند که تحصیل يك آزادی بنمایند که بتوانند افکار خود را در معرض نمایش گذاشته تکالیف زنانه خود را بفهمند و مطابق منافع خود و جامعه رفتار کنند نه اینکه آلت دست مردها بوده وظایفی را که آنها تعیین می کنند خواه بد و خواه خوب کورکورانه قبول کنند. تصور می کنم که اگر فرصت و آزادی به زنها داده شود کاملاً در انجام مقاصد خود کامیاب شوند. اگر چه شاید در ابتدا قدری مشکل به نظر آمده با اشکالاتی مصادف شوند ولی در صورتیکه هر زنی در نزد خود تصور این را بکند که مادر ابناء نوع بوده آتیه مملکت منوط با اقدامات اوست یقین است موانع را از میان بر داشته به مقصد اصلی میرسد.

امروزه بزرگترین رهتیا و اصطلاح اروپائی ها « لیدر » زنها آن خانمی نیست که سعی می کند که زنها را بدرجه مردها برساند تا با آنها مقابله کنند بلکه آن زنی است که در نظر دارد که جمیع مردهای بزرگ بواسطه ما دران دانا بوجود آمده و تربیت اولیه شان در دامن زنان با تربیت باشد. اگر خوب دقت کنیم می بینیم که علت ترقی و اقتدار ما در عهد حکمفرمائیشان فقط وجود همین حس و عقیده بوده است. پس اگر باز خانمهای محترم آرزو دارند که حقوق از دست رفته خود را دو مرتبه بدست بیاورند باید همین رویه حسنه را پیش گرفته عواطف مادری خود را پرورش دهند و بآن افتخار کنند که رتبه و میزان تمدن و ترقی افراد مملکت و جامعه منوط بوجود و اقدامات آنهاست و یقین داشته باشند که با داشتن چنین عقیده

واحساساتی میتوانند خود و عالم انسانی را بمعارج عالیه ترقی برسانند همانطوری که مرد ها در جامعه باید بعض منافع شخصی را قربان منافع اجتماعی بنمایند خواهان عزیز مامم باید بیشتر دارای این احساسات باشند زیرا زنان قرون قبل ثابت کرده اند که حس محبت اجتماعیشان بر مرد ها فزونی دارد. اگر چه راه هائیکه زن و مرد میتوانند برای انجام مقاصد خیر خود طی نمایند متفاوت است ولی جامعه محتاج بوجود هر دو میباشد و بدون کمک و مساعدت و اتحاد یکدیگر نمی توانند باوج سعادت و ترقی پرواز کنند. همانطوریکه مرد ها اگر بخواهند حقوق زنان را غصب کرده بر آنان حکمرانی نمایند دشمن جامعه محسوب میشوند زیرا اگر پیش از حقوق خود در خواست کنند مطابق وظائف وجدانی خود رفتار نکرده اند.

چنانکه ذکر شد خانمها باید بدانند که آینده وجود شان بیشتر از برای آتیه است نه برای حال زیرا بزرگترین وظیفه زن تامین و ترقی نسل آینده است و در هر دقیقه حیات نژاد آینده در دست آنهاست. پس شما ای خانمهای ایران اگر ارزو دارید که پس از چندی در ایران نیز اشخاص بزرگ و علماء و فلاسفه شهر پیدا شود فوراً شروع بکار کرده مادر های خوب تربیت کنید. هر دختری که امروزه در ایران تولد میشود در صورت او علامات امیدی برای آتیه ایران میباشد ولی جای افسوس است که بواسطه سوء تربیت وعدم معرفت آن آثار و علامات امید پس از چندی نا بود شده از میان میرود ا خالق طبیعت شما را برای پرستاری و محافظت نوع بشر خلق کرده و برای شما تکالیف مخصوصی معین کرده است شما برای این خالق نشده

اید که سر باز شده در میدان جنگ کنید یا تقلید از مردها کرده بعض کارهاییکه مخصوص آنهاست در دست بگیرید. بسیار از زنها پس از تحصیل قدری معلومات بکلی عواطف لطیف زنانه خود را از دست داده میخواهند خود را مرد حساب کنند بطوریکه اغلب از زنا شوئی خود داری می کنند. به عقیده من اگر نتیجه تحصیلات عالی برای زن این باشد کاملاً مضراتش زیاد تر از جهل است زیرا شما باید هر قدر بیشتر صاحب معلومات میشوید عواطف مادری و احساسات فرزند پروری شما زیاد تر شود. فقط از این راه است که شما می توانید بجامعه خدمت کنید. مقصودم از این بیان که هر خانمی باید مادری و زن بودن را مهم تر از هر کاری بشمارد این نیست که زنها نباید تاجر، معلم دکتر یا وکیل بشوند بلکه میخواهیم که این دو عطفه در درجه اول است و هر اقدام و شغل دیگری باید بالاخره منتهی باین دو مقصد مقدس شود.

البته برای مادر شدن تربیت کامل لازم است و گمان نمیکنم کسی منکر این قضیه باشد که مادر تربیت شده توانمند ترقی و تعالی يك ملتی از هر عاملی مهم تر است، چنانچه اگر بتلویج کنونی مال معاصر مراجعه نمائید ملاحظه خواهید کرد که هر ملتی که تمدن و تربیت زنهایشان زیاد تر است ترقیات روحی، علمی و اخلاقی آن ملت بهمان نسبت بیشتر است، زیرا مقیاس فهمیدن بر تری و تمدن يك ملت از ملت دیگری خانواده هائی است که آن جامعه را تشکیل میدهد و البته معلوم است که خانواده هم بر دوش مادر قرار گرفته، پس نتیجه این میشود که سعادت و کامیابی مردمان هر مملکتی منوط باین است که زنهای خود را تربیت کنند.

پس ای خواهران عزیز من که امید آتیه ایران بشماست همتی کرده خود را از قید اسارت خلاص کنید. به عقیده من بهترین راه برای شما اینست که چشم خود را باز کرده به بینید که این زنهایی که امروزه در ممالک متمدنه کوس آزادی زده قسمت مهم جامعه را تشکیل میدهند بچه وسیله خود را از چنگال تعصبات جاهلیه قرون وسطی نجات داده بحالت کنونی رسیده اند.

مطابق مطالعاتی که من در اینخصوص کرده ام اینطور نتیجه گرفته ام که زنها در هیچ مملکتی بدون مساعدتهای فکری و عملی يك عده از مردان جانفشان آن مملکت نتوانسته اند خود را از اسارت جهل و قید بندگی خلاص کنند. علت این مسئله بر واضح است زیرا قرنهای میگذرد که زنها خانه نشین شده جز با محیط خانه باحقیق دیگری آشنائی نداشته اند و از انطرف مردها کلیه زمام امور اقتصادی علمی و اجتماعی را بخود اختصاص داده اند. پس چطور ممکن است با نداشتن هیچ قسم سرمایه و اقتدار زنها يك مملکتی مثل ایران بخودی خود ترقی کرده حقوق خود را بدست بیاورند. وقتیکه بتاریخ ترقی زنهاى معاصر در ممالک متمدنه رجوع بنماییم می بینیم که بواسطه نطفه های پر حرارت و جانفشانی های يك عده از مردهای خانم دوست و در اثر قلم نویسندگان و رجال بزرگ بوده است که زنهاى ممالک متمدنه را بحالت کنونی رسانده اند. این اشخاص جدی و فلاسفه بزرگ نه فقط برای دلسوزی و ترحم بحال زنهاى مملکت نمود این اقدامات مشعشع را نموده اند بلکه حصول سعادت و خوشبختی را با نداشتن مادران تربیت شده محال و غیر ممکن میدیدند. از انجائیکه امایل

بودند ملتشان بر تری بر سایر ملل داشته باشد از راه این مسئله حیاتی داخل شده بدین وسیله بمقاصد عالیه خود رسیده اند .

بنا بر این اولین قدمی که شما زنهای ایران باید در جاده ترقی و سعادت بر دارید اینست که بهر وسیله شده یک عده از جوانان و مردان با فکر مجرب را با خود همراه کنید یعنی بانها بفهمانید که اگر ارزو دارند یکوقتی ایران را جزو ممالک متمدنه عالم به بینند چاره جز این نیست که بشما کمک کنند و از این راه بمقصد خود برسند زیرا نه ایران از کره زمین خارج است و نه مردمانش از سایر ملل پست تر . پس باید از تجربیات دیگران استفاده نمود و از همان راه که دیگران رفته و بدر منزل مقصود رسیدند ما هم برویم .

برای اینکه بخوهران محترم خود در ایران ثابت کنم که تا بحال غفلت و مسامحه کرده اند مختصری از حالت و ترقیات زنهای ژاپون در عرض چهل ساله اخیر در این رساله شرح میدهم .

قبل از سنه ۱۸۷۰ مسیحی یعنی تقریباً ۵۷ سال قبل حالت زنهای در ژاپون بمراتب پست تر از حالت کنونی زنهای در ایران بود یعنی عقیده مردها این بود که خداوند زن را فقط برای تفریح و خوشی مرد خلقت کرده است و چون در خلقتش نقص باشد صاحب اراده نیست لذا قابل تربیت نمیباشد بنا بر این آنها را از حضور در مجامع و محافل منع نموده ذره اختیار بانها نمیدادند و در هر وقت مرد میتواندست که بدون هیچ عذری زن خود را طلاق دهد . زنهای ابداً از شوهر پدر یا مادر خود ارث نبرده از هر حقوقی در جامعه محروم بودند .

اما در سنه ۱۸۷۱ امپراطور جوان ژاپون بدرباریان خود خطاب

کرده گفت « این يك اشتباه بزرگی است که تا بحال ما عقیده داشته ایم که زن قابل تربیت نمی باشد زیرا در اروپا و امریکا عکس این قضیه ثابت شده است پس اگر ما هم میخواهیم ملتمان ترقی کنند باید از اروپائیا تقلید کنیم » لذا برای اولین دفعه امر نمود که يك عده از دختر های ژاپونی را بامریکا فرستند و مدارس ابتدائی برای تحصیل دختر ها در تمام شهرهای ژاپون تاسیس کنند .

اما مثل ایران ما از حرف شروع نشده بحرف خاتمه پیدا نکرد بلکه اقدامات هیئت دولت بقدری سریع بود که پس از دو سال ۹۴۲۰۰۰ دختر ژاپونی در مدارس مشغول تحصیل بودند و وزیر معارف ژاپون در یکی از نطقهای خود اظهار داشته بود که در صورتیکه ثابت شده است که تربیت زن مبدأ و منشأ هر قسم ترقی و تربیتی است لذا باید تعلیم و تربیت زنهای ژاپونی را بیش از هر امری اهمیت داد . با این عقیده راسخ ثابت اولیای امور دائره معارف زنانه را روز بروز بزرگ نموده و سعت دادند چنانکه در سنه ۱۸۹۰ سی و يك در صد از جمیع زنهای مملکت ژاپون مدرسه میرفتند در سنه ۱۸۹۰ چهل و چهار درصد و در سنه ۱۸۹۴ پنجاه در صد یعنی نصف دخترهای ژاپونی در مدارس به تحصیل مشغول بودند . بعد از آن دار المعلمات و مدارس عالییه علمی و صنعتی مخصوص زنها تاسیس کردند بطوریکه در اواخر ۱۸۹۸ مسیحي قریب به پانزده هزار محصلات در دار المعلمات مختلفه مشغول تحصیل علم معلی بودند .

چون ملت و دولت ژاپون فهمیده بودند که اگر مساعي خود را در تعلیم و تربیت دختر ها بکار برند در يك مدت کمی نتایج مهمه

خواهند گرفت لذا هر سال دار الفنون های بزرگ عالی جدیدی برای
زنها تاسیس مینمودند و تحصیل دخترها را اجباری میکردند بطوریکه
فعلا کمتر زن بی سواد و بی معلومات در مملکت ژاپون پیدا خواهید
کرد. البته جای تعجب نیست اگر يك چنین متی در يك چنین مدت
کمی انقدر ترقی کند زیرا آنها فهمیدند که نباید از دنیای متمدن
عقب ماند بلکه باید تجربیات سایرین را سرمشق قرار داده مطابق آن
رفتار کرد تا در عالم صاحب مقام و رتبه شد.

اما بدبختانه در مملکت ما که در ۱۵۰۰ سال قبل ترقی و قدر
و قیمت زن بقدری بود که پادشاه و شخص اول مملکت يك دختری
بوده است روز بروز سیرقه قرآنی نموده تا بحالت حاضر رسیده است. ا
ملاحظه کنید که چقدر بدبختی ما را فرا گرفته که زنهای ژاپونی که
تا چهل سال قبل با آن حالت پست زندگی میکردند امروز بجه مقامی
رسیده اند و ما که اجداد مان قدر و منزلت زن را انقدر محترم
میشمردند در چه بدبختی هستیم! البته نمیشود تقصیر را بگردن زنها
گذارد زیرا همانطور که دیدیم اولیای امور هر مملکتی وسیله ترقی
آنها را فراهم آورده اند و برای مملکت خود مادران عالمه تربیت
کرده اند. اگر ما هم از امروز در اجرای این اصل مهم در ایران
شروع بکار نکنیم هیچ وقت نباید منتظر يك ملت شجاع عالم
و وطن دوستی باشیم.

پس ای مادران عزیز که چشم داشت افراد مملکت بوجود
شماست سعی کنید که جوانان خود را طوری تربیت کنید که در راه
ترقی و سعادت زنهاى مملکت خود بکوشند. امروزه در هر شهری

از شهرهای ایران باید اقلای صد نفر از جوانهای تحصیل کرده روشن فکر تمام هم خود را صرف کمک و مساعدت بخوانهران در مانده خود کنند ، اگر آرزوی این را دارند که بزرگترین خدمت را باب و خاک عزیز خود کرده باشند . باید شماخانمها بسکمک و دستور این جوانان عالم نوع خواه درجرائد مقالات مفید نوشته بواسطه ایراد نطقهای مہیج و ترجمه کتب مہمہ ، اشخاص کهنہ پرست را بیدار کنید و حقوق پایمال شدہ خود را پس از قرنہا دو مرتبہ بدست آورید .

خیلی جای تعجب است کہ اغلب جوانهای ایرانی کہ تحصیل السنہ خارجه کرده و باروپا رفته و بچشم خود دیدہ اند کہ علت مہم ترقی ملل خارجه داشتن مادران تربیت شدہ است و فہمیدہ اند کہ بزرگترین علت بدبختی ایرانیان جہالت زنہاست اگر وقتی بدست میاورند کتابهای رومان و حکایاتی کہ امروزہ چندان برای جامعہ مفید نیست ترجمہ می کنند و ابتدا در فکر این نیستند کہ بخوانهران خود در ایران خدمتی کردہ یکی از کتبی را کہ راجع بہ ترقیات و وظایف زنہا در جامعہ نوشته شدہ ترجمہ و منتشر نمایند . گمان میکنم این بی علاقگی و بی عاطفگی نسبت بجامعہ را شما مادرها بسر پسران خود تولید کردہ اید بنا بر این از این بہ بعد ہشیار باشید و جوانان نوع دوست تربیت کنید .

امروز در ایران خیلی از جوانان هستند کہ اظهار علاقہ بوطن می نمایند و بوسائل مختلفہ برای ترقی آن می کوشند ولی بدبختی اینجاست کہ تا بحال جوانانی پیدا نشدہ کہ باصطلاح (ایدہ آل) و آرزوی خود را این قرار دادہ باشند کہ بہ جہان زنان خدمت

کنند . چنانکه ذکر شد مادامیکه يك جنين جواناني تهیه ننمائید يقين است که موقعیت کامل حاصل نخواهید کرد . نه اینکه تمام کار ها را بعهده آنها و اگذارید بلکه بمساعدت و راه نمائی آنها مقاصد خود را انجام دهید .

در ممالک متمدنه امروزه زنها دارای مجالس و انجمن های مختلفه برای پیشرفت و ترقی کار خود تاسیس کرده اند و بواسطه اتحاد و تبادل افکار قدمهای سریعی در راه ترقی برداشته اند . مثلاً در دول متحده و آمریکا در سنه ۱۸۷۶ یعنی پنجاه و يك سال قبل يك جمعیتی بنام « انجمن ترقی زنهاى جوان » تشکیل شده همانطوریکه هر کاری در ابتدای شروع کوچک و کم اهمیت میباشد این انجمن هم در اول مرکب از يك عده محدود از زنها بوده است ولی به تدریج در این مدت دائره آن بقدری توسعه پیدا کرده است که امروزه چهار صد و بیست و پنج شعبه از این انجمن در نقاط مختلفه دول متحده دائره اهمیت اقدامات آنها در این مدت بقدری است که غیر ممکن است در این مختصر شرح داد . یکی از خانمهاییکه بآمن دوست است از امریکا يك کتابی که شامل - هار صد صفحه میباشد و نتیجه عملیات این مؤسسه را شرح میدهد برای من فرستاده است . مطابق صورتی که در این کتاب مندرج است فعلاً قریب به هزار و پنجاه کالج مدارس عالی و ابتدائی این مؤسسه در دول متحده برای تربیت دخترها تاسیس نموده است . بعلاوه در ژاپون ، چین ، هندوستان و ترکیه نیز کالج و مدارس تاسیس نموده اند و فعلاً مشغولند تمام زنهاى عالم را تشویق کنند که عضو این مؤسسه شده متحداً کار کنند .



رتال جامع علوم انسانی

مسیز « نیدو » از بزرگترین زنهای دنیا است که مردان حسرت
مقامش را میخورند . این خانم محترم برهنی که تحصیلات خود را
در انگلستان تمام کرده بقدری در ادبیات انگلیسی ماهر است که
به عضویت انجمن ادبی سلطنتی انگلستان قبول شده است و عجالة
یکی از پیشوایان بزرگ ملیون هند محسوب میشود .



خالده خانم آديب و پيشواي حقيقي زنهای ترکيه که در يك مملکت
شرقي بمقام وزارت معارف نائل گرديده اولين زني است که در اثنای
جنگ کاليون دستش تبر خورده و برای بستن خون نقاب از چهره
برداشت و ديگر رو نگرفت و با خون خود اين مانع بزرگ ترقی
را از هم دريد .

در سایر ممالک متمدنه عالم نیز زنها از این قبیل مؤسسات زیاد دارند و روز بروز بر تعداد آنها میافزایند. پس خوب است شما خانمهای محترم در ایران نیز از تجربیات دیگران استفاده کرده هر چه زود تر جمعیتائی تشکیل داده برای ترقیات خود کوشش کنید و اگر در مرحله اول بازحمت و اشکالاتی متصادف شدید مایوس نشده استقامت نمائید بالاخره موفق خواهید شد.

* * *

راه اصلاح

برای تاسیس يك انجمن زنان در ایران مقدمه دو چیز لازم است اول چند نفر از خانمهای زرنگ با تجربه که باصطلاح اروپائی ها لیدر باشند، ثانیاً يك نقشه و پروگرامی که مطابق آن رفتار کنند. در قسمت تهیه يك عده خانمهای متهور نوع دوست که دامن را برای خدمت بخوانه‌ها خود به مگر زنند بدبختانه من دستی نداشته و از تدارك آن عاجز ولی از آنجائیکه یقین دارم در میان خانمها در ایران خصوصاً طهران این قبیل اشخاص هستند قدم اول را به عهده انهایکه این از مختصر را مطالعه می کنند گذارده و امید وارم که هر يك از انها که نظری بر این سطور می اندازند عزم خود را جزم کرده بایک تصمیم زوال ناپذیری شروع بکار نمایند و در تاسیس این انجمن مشوقین با حرارت باشند.

اما راجع بیک نقشه و پروگرامی که هر مؤسسه در ابتدا لازم

دارد من نظریات شخصی خود را مختصراً شرح میدهم ولی مقصودم این نیست که کاملاً اشخاصیکه برای تاسیس چنین مؤسسه اقدام می کنند از روی این دستور و پرگرام رفتار کنند بلکه مطابق مقتضیات وقت و مکان ممکن است در آن تغییرات کلی بدهند فقط بمناسبت اینکه در ابتدای اقدام بهر کاری یک اساس لازم است که در روی آن اصول آن اقدامات مجری شود لذا بر حسب فکر خود یک نقشه برای تاسیس این جمعیت که آن را ممکن است « جمعیت ترقی زنهای ایران » خواند تهیه کرده تقدیم خواهران محترم خود مینمایم .



- ۱ - مقصد مهم « جمعیت ترقی زنان ایران » اینست که بوسایل مختلفه متشبه شده قوای جسمانی علمی و اجتماعی خواهران خود را در ایران پرورش داده تربیت نماید .
- ۲ - این جمعیت هیچ نقطه نظر سیاسی و مذهبی نداشته و ابداً در امورات راجع باین دو موضوع دخالت نمی نماید .
- ۳ - شرایط عضویت در این جمعیت از قرا ذیل است :
 - ۱ - هر زن ایرانی که دارای سواد خواندن و نوشتن باشد میتواند عضو رسمی این انجمن شود .
 - ب - دخترهائیکه بمدرسه میروند در صورتیکه سنشان از پانزده کمتر نباشد حق عضویت را دارند .
 - پ - زنهائیکه معروف بسوء اخلاق میباشند به عضویت قبول نمیشوند .
- ۴ - اعضای این جمعیت که در هر شهری از شهرهای ایران

هستند يك عده از خانمهای زرنگ مجرب را برای هیئت عامله خود به ترتیب ذیل باید تعیین نمایند :

ا - عده این هیئت عامله بر حسب مقتضیات محل و مکان تغییر می کند .

ب - موقع انتخاب این هیئت هر ساله در ۱۳ روز ایام عید نو روز میباشد .

پ - ترتیب انتخاب هیئت عامله اینست که در هر شهری که عدهٔ اعضاء جمعیت بحد کافی یعنی در حدود دوست نفر باشد جلساتی بمناسبت محل و منزل اشخاص تشکیل داده در آن هیئت عامله را انتخاب می کنند . مثلا در طهران فرض کنید این جمعیت از هزار نفر تا ده هزار نفر عضو دارد در موقع انتخابات بمناسبت دور و نزدیکی منزل هر عضوی ، مجامع صد نفری تشکیل میشود و از میان خود ده نفر یا کمتر یا بیشتر نماینده کتبا انتخاب می کنند . اگر ده جلسه همینطور منعقد شده باشد صد نفر نماینده از طرف عموم خانمهایی که عضویت این جمعیت را دارند انتخاب خواهد شد و این صد نفر هیئت عامله جمعیت خواهند بود جامعه علوم انسانی

ت - از مابین این هیئت صد نفره ده کمیته یا کمیون ده نفری بمناسبات و مقتضیات لیاقت شخص تعیین میشود . وظایف هر يك از این کمیته ما مفصلا شرح داده خواهد شد .

ث - هر کمیته يك نفر رئیس منشی ، و خزانه دار خواهد داشت که به اکثریت آراء اعضاء کمیته انتخاب خواهد گشت .

ج - رؤسای این کمیته که عده شان ده نفر میباشد يك جلسه

تشکیل میدهند که هیئت رئیسه جمعیت ترقی نسوان ایران
مینامند و البته این انجمن هیئت رئیسه نیز دارای رئیس، منشی و خزانه
دار مخصوص میباشد و میتوان رئیس آن را لیدر زنهای آن شهر خواند
ج - کمیته های مختلفه که باید از مابین آن نمایندگان صد نفره
معین شود از این قرار است :

- ۱ - کمیته حفظ الصحه - ۲ - کمیته ترقی معارف - ۳ - کمیته
ورزش و تفریح - ۴ - کمیته تشویق صنایع مستظرفه - ۵ - کمیته ترویج
اصول خانه داری، شوهر داری و بچه نگاهداری - ۶ - کمیته مراسله
و مرآوده با سایر شهرهائیکه جمعیت ترقی زنهای در اینجا تأسیس شده
است - ۷ - کمیته اداره انجمن های غیر رسمی که برای نطق و تشویق
از عموم زنهای شهر تشکیل میشود - ۸ - کمیته دخل و خرج - ۹ -
کمیته مطبوعات - ۱۰ - کمیته مکاتبه و مرآوده با انجمنهای زنهای خارج
از ایران .

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
(۱) کمیته حفظ الصحه
ایران

خانمهاییکه برای عضویت این شعبه انتخاب میشوند باید حتی
المقدور اشخاصی باشند که از مسائل صحی اطلاعاتی داشته باشند
چنانکه اسم این کمیته خود شرح میدهد . تکلیف این هیئت اینست
که در امورات حفظ الصحه زنهای که اساس تربیت خانوادگی بر آن
بنا میشود دقت نموده بوسیله نطقهای مهیج ساده و نوشتن مقالات
مفید طریق نگاه داشتن صحت را بعموم زنهای ایران یاد بدهند

زیرا هر شخص با انصافی تصدیق می‌کند که بیشتر علت سرایت امراض بی‌مواظبتی زنها در خانواده است چه اگر آنها با قوانین حفظ الصحه آشنا بوده مطابق آن رفتار نمایند از نفوذ و سرایت میکروبهای مسری جلوگیری نموده نه فقط جمعیت خانوادگی خود را محفوظ میدارند بلکه بصحت افراد مملکتی خدمتی شایان مینمایند. امروز زهای ایران ابدأ طریق شیر دادن و مواظبت در صحت اطفال خود را نمی‌دانند و از این جهت از طفولیت اطفالشان با امراض مختلفه دچار شده وقتی که بزرگ میشوند دارای یک عقل و هیكل سالمی نمی‌باشند که بنوع خدمت کنند. هر مادری باید باطریقه^۱ جلوگیری از بعض میکروبهای امراض مسری آشنا باشد باید بداند که چطور امور خانواده خود را مطابق قوانین حفظ الصحه اداره نماید مثلاً يك مسئله^۲ که خیلی ساده به نظر می‌آید تهیه خوراک است. در ایران هموم مادرها بواسطه^۳ اینکه از مضرات و فواید خوراک های مختلفه آگاهی ندارند در مواقع غیر مناسب خوراکی برای اعضای خانواده تهیه می‌کنند که تا مدتی همه را دچار ناخوشی و کسالت مینماید. مسئله دیگر قضیه لباس پوشیدن^۴ مطابق حفظ الصحه است. چنانکه میدانید مادرها هموماً در تهیه لباس برای اطفال خود مدخلیت مهمی دارند و اگر ندانند که چگونه خودشان لباس پوشیده یا برای اطفال خود لباسهای صحیح تهیه کنند بالطبع عواقب وخیمی خواهد داشت. مثلاً فنداق کردن اطفال در ایران يك کار خیلی معمولی است ولی ضررهای آن بطوری واضح است که لازم به تشریح نیست. همینطور در انجام سایر کارهای خانواده که تمام به عهده مادر

است اغلب مرافات قوانین صحیحی نشده در نتیجه مملکت پر از جوانهای ناقص اخلاقه ضعیف و کم بنیه میباشد. پس وظیفه این کمیته خیلی مهم و کارهای آن زیاد میباشد. باید اعضای این کمیته در هر ماهی اقل چند جلسه تشکیل دهند و از هموم زنهای شهر دعوت کنند و بواسطه عبارات ساده با کمال ملاحظت قوانین حفظ الصحه را برای آنها بیان نمایند و مضرات زندگانی را که تا بحال کرده اند بر آنان مجسم سازند، در مجلات و جرائد همه هفته راه های جدیدی در نظر آورده برای اطلاع خواهران خود درج نمایند و البته باید از دکتر های بزرگ مساعدت و معاونت طلبیده مطابق دستورات صحیح آنان رفتار نمایند.

اگر در این مختصر بخواهیم تمام مقاصد این کمیته و طریقه عملی آن را ذکر کنیم باید يك کتاب مفصلي برای مرام و مقاصد آن نوشت مثلا قضیه صحت ازدواج و تناسب سن و سایر شرائط آن بخودی خود يك مبحث بزرگی است که هزاران کتاب راجع بان بالسنه خارجه نوشته شده است و البته وظیفه اعضای این کمیته است که حتی المقدور از آن استفاده نموده خواهران خود را آگاه سازند. در ایران قضیه سقوط اطفال قبل از موعد خیلی شیوع دارد و این یکی از وظایف مهمه این کمیته است که بما درها با زبان مادرانه بفهمانند که چه قدر بخودشان و بعالم انسانی ضرر میرسانند. خلاصه هزاران راه و طریقه دیگر برای خدمت در این موضوع است که باید اعضای این کمیته ناظر بوده انجام دهند لذا بیش از این راجع به تکالیف این شعبه مهم پرداخته بقیه را به احتیاجات وقت و امیدگذارم.

(۲) کمیته ترقی معارف زنان

خانمهاییکه برای عضویت این کمیته انتخاب میشوند باید طالع بوده با اصول معارف جدید آشنا باشند و البته اگر از میان مدیرات و معلمات مدارس دخترانه انتخاب شوند خیلی بهتر و مناسب تر خواهد بود. به عقیده من وظایف این کمیته از همه مهم تر میباشد زیرا نه فقط روحیات و ترقیات معنوی جامعه زنها در دست این کمیته است بلکه اگر قدری دقیق تر شویم ترقیات کلی جامعه منوط و مشروط با اقدامات اعضای این کمیته است چنانکه اسم معارف خودش دلالت میکند. باید این هیئت جمیع مساعی خود را در توسعه و ترقی معارف نسوان ایران مبدول دارد.

کارهاییکه این هیئت میتواند انجام دهد اینست که اولاً بهر وسیله متشبت شده عدّه مدارس دخترانه را زیاد کنند یعنی بواسطه پیشنهادات نافع بوزارت معارف و کمک اولیای امور، مدارس جدیدی در نقاط مختلفه که لازم میدانند تاسیس نمایند. البته میدانید که يك علت بزرگ عدم موفقیت مدارس دخترانه در ایران نداشتن معلمات طالع است لذا از هر کاری مهم تر اینست که این هیئت بهر وسیله شده از وزارت معارف تقاضای تاسیس دار المعلمات بنمایند نه مثل دار المعلماتی که چندی اسما در طهران وجود داشت بلکه يك دار المعلمات کاملی که بواسطه پرگرام صحیحی اداره شود و از انجائیکه زنهاى آمریکائی از حیث معلمي و اداره کردن مدارس از ملل عالم گوی سبقت را ربوده اند البته وجود آنها در این مؤسسه نهایت لزوم را دارد.

از انجائیکه وزارت معارف ایران تماماً بدست مرد ها اداره میشود و زنها تفوذی ندارند لذا یقین است که مرد ها کاملاً پی به نکات دقیقه تربیت دخترها نبرده با احتیاجات آنها آشنا نمی باشند پس وظیفه اعضای این کمیته این است که در این مطالب دقیق شده احتیاجات مدارس دخترانه را که وزارت معارف غافل از آن است گوشزد اولیای امور نمایند. باید اغلب اعضای این کمیته در مدارس دو شیز کان غیر رسمی سرکشی نموده نواقص کلی آنها را بفهمند و در تکمیل آنها بوسایل مختلفه متشبت شوند.

بطور کلی پرگرامائیکه امروز در مدارس دخترانه ایران مجری است ابدأ مفید بحال دخترها نمیباشد زیرا به عین همان پرگرام ناقص است که در مدارس پسرانه تدریس میشود البته تحصیل علوم مختلفه برای دخترها نهایت لزوم را دارد ولی بملاوه تحصیل حساب، هندسه جغرافیا و غیره دخترها یک معلومات دیگری لازم دارند که بمراتب از اینها مهم تر است. مثلاً آیا شنیده اید که در یکی از کلاسهای مدارس دخترانه علم خانه داری تدریس شود! یا از سایر قواعد اجتماعی که آنها لازم دارند از قبیل مناسبات فامیلی بچه دارای حفظ الصحه ازدواج و غیره اسمی برده شود؟ آیا دخترها در مدارس خود اجتماعی دارند که بتوانند نطق کنند مسائل و احتیاجات اجتماعی خود را بیان نمایند که پس از داخل شدن در جامعه با یک چشم بینا و گوش شنوایی در محیط خود زندگی کنند؟ آیا در مدارس دخترانه و سایل ورزش و تفریح برای دوشیزگان فراهم است! تمام اینها نکاتی است که باید این هیئت سعی کند تا نواقص را تکمیل

نماید. بعبارة دیگر باید این هیئت ملاحظه کند که امروزه جامعه زنها چه نواقص دارد و برای آتیه چه قسم مادر هائی باید تربیت نمود و بنا بر همان احتیاجات شروع بکار کرده آنها را رفع نمایند.

یکی از کارهای مهم دیگر این شعبه اینست که بخانمهاییکه بدبختانه بواسطه عقلت یا عدم وسایل از داشتن سواد محروم هستند کمک نمایند یعنی باصطلاح کلاس اکابر برای آنها در نقاط مختلفه هر شهری تاسیس نمایند و بعض از خانمهای با علم و با سواد داو طلب شده باتها درس بدهند. يك عقیده فاسدی که بسیاری از خانمها دارند اینست که پس از رفتن بخانه شوهر دیگر تحصیل و مطالعه را غیر ممکن میدانند! راست است که مادامیکه زن در خانه شوهر است مسئول انجام بعض تکالیف معینی میباشد ولی در صورت داشتن ذوق و میل به تحصیل وقت خیلی خواهند داشت. اغلب از زنهاى آمریکا و اروپا که در زمان خود بعلم و دانش مشهور و هادی زنهاى دیگر بوده اند تحصیلات خود را در زمان خانه داری و شوهر داری تکمیل کرده اند با وجود اینکه بیروت در شرق واقع شده است در ما بین اعراب زنهاى با ذوقی پیدا میشود که در بزرگی از به تحصیل مشغولند. در دار الفنونى که من تحصیل می کنم يك زن پنجاه ساله و دیگری چهل ساله با من همدرس و با کمال جدیت به تحصیل علوم مشغولند. يك خانم مسلمان دیگری با شوهرش هر دو در شعبه های مختلفه درس می خوانند. شوهر او تجارت تحصیل می کند و خودش علم تربیت میخواند. همین خانم محترم در بسیاری از اوقات نطقهای مفصل مهیج در حضور عده زیادی از شاگردان و پرسورها ایراد کرده است. پس

خانمهای ایرانی نیز باید این فکر را از سر خود خارج کنند که پس از زنا شوئی دیگر تحصیل ممکن نیست و حتی المقدور در کلاسهای اکابری که این مؤسسه تاسیس می نماید حاضر شوند بلکه يك عده زنهای با سواد در مملکت پیدا شود زیرا اگر بخواهیم صبر کنیم که دخترهای تحصیل کرده بزرگ شوند و داخل اجتماع شده اقداماتی بنمایند مدتها وقت لازم دارد و این يك راه عملی است که بزودی میتوان يك عده خانمهای با سوادى بر اعضاى این انجمن افزود و قدمهای سریعی در راه ترقیات جهان زنان برداشت .

ترقی و توسعه معارف مابین زنها فقط بفرستادن دخترها در مدرسه و باز کردن کلاس اکابر تهیه نمیشود بلکه يك عامل مهم دیگری لازم دارد که باین دو کمک نماید و آن نشریات است . اعضاى این کمیته باید در مجله که مخصوص این هیئت است و سایر جرائد و مجلات مقالات مفید علمی و اجتماعی که مربوط بعالم نسوان باشد درج نمایند و باین وسیله افکار عموم زنهای ایرانی را باز کنند . شاید بعض ایراد کنند که زنهای ایرانی عادت ندارند باینکه روزنامه یا مجله آبونه شده مطالعه نمایند لذا نوشتن مقالات مفید در جرائد چه فایده دارد این ایراد صحیح است ولی یکی از کارهای بزرگی که این کمیته میتواند انجام بدهد اینست که بوسیله نطق در اجتماعات و راه های دیگر يك میل و اشتیاقی در زنها تولید نماید که اقلا هر زنی که سواد دارد يك مجله و یا يك روزنامه آبونه شود و یا اینکه جرائد و مجلاتی که شوهر او آبونه است اقلا مطالعه نماید . من که هنوز باروبا و امریکا نرفته ام ولی خانمهای امریکائی و اروپائی را که می شناسم میدانم هر يك شخصاً

جریده یا مجله که بیشتر مایل بان میباشند آبونه هستند و با کمال دقت آن را مطالعه می کنند و البته این مجله بعلاوه آن روز نامه و مجلاتی است که شوهر های آنها مشترک میباشند .

امابدبختانه در ایران رنھا که سهل است مردها نیز عادت نکرده اند پول در راه مطبوعات خرج کنند ولی من امیدوارم که از این حیث زنھا گوی سبقت را بر بایند و البته هر خانمی میتواند در سال چند تومانی از مخارج فوق العاده خود اندوخته کرده يك مجله یا روزنامه که بآن بیشتر علاقه دارد مشترک شود . یقین است که در صورت اقدام باین کار نتایج کلی گرفته از جامعه و محیط خود با خبر خواهند بود و دیگر مردها نمیتوانند بانھا اعتراض کرده بگویند شما که از جریانات جامعه اطلاعی ندارید حق رای و صحبت را ندارید .

خلاصه این شعبه ترقی معارف زنھا بعلاوه اینکه باید این اقدامات را در شهر خود بنماید باید با سایر مراکز و شهر های مهم نیز مراوده و مکاتبه داشته بیکدیگر کمک فکری و عملی بنمایند مثلا بسیاری از خانمھا در طهران هستند که تا اندازه دارای معلومات ابتدائی میباشند ولی ابدآ از وجود آنها استفاده نمی برند و بعلاوه بیکار بودن آنها نیز باعث میشود که دو شیزگان دیگر را در ادامه تحصیل دلسرد نماید پس وظیفه اعضای این کمیته میباشد که اینطور معلومات ابتدائی را بسایر شهرھا فرستاده خواهران خود را کمک کنند و هرچندی نمایندگان از اعضای این کمیته مسافرت به بعض شهرھا کرده از وضع معارف خواهران عزیز خود اطلاع پیدا کنند و نواقص را رفع نمایند البته در این مختصر نمیتوان بیش از این از وظایف و تکالیف این شعبه بیان

کرد ولی میدانم که پس از داخل شدن در جریان کار خواهند دید که چقدر مسائل مهمه در جلو دارند که باید آنها را حل نمایند.

* * *

۳ - شعبه ورزش و تفریح

اگر در حدود یکی از مدارس پسرانه گذر کنید اغلب يك همه و هیا هوئی میشنوید و اگر سبب را پرسید میگویند پسر ها مشغول تفریح و ورزش میباشند. اما اگر در همسایگی شما يك مدرسه دخترانه باشد هیچ وقت صدائی نشنیده و حتی اگر تابلو مدرسه را نخوانده باشید نخواهید فهمید که در مجاورت شما يك مدرسه دخترانه وجود دارد. آیا علت چیست که انقدر ب ورزش پسر ها اهمیت داده میشود و ابدأ عطف توجهی بدختر ها نمیشود! در صورتیکه ورزش اعصاب و عضلات پسر ها را قوی می کند و آنها را برای مردانگی حاضر می نماید همانطور برای هر دختری نیز بعضی ورزشهای مخصوص لازم است و از مقام آنها کم نمیکنند بلکه بر آن می افزاید. برای تحمل بار حمل و مشقات آن عضلات قوی و استخوان بندی محکمی لازم است. يك علت بزرگ اینکه اطفال عموماً در ایران نحیف و دارای جثه کوچکی میباشند همین است که مادرهای آنها کم بنیه و ضعیف بوده اند.

البته باید عقیده داشت که ورزشهای دخترانه باید ظریف تر بوده قسمت تفریح ولذت روحی آن زیاد تر باشد یعنی در عین حال، ورزش و بازی با یکدیگر توأم باشد مخصوصاً این قبیل ورزشهای دخترانه

باید با موزیک همراه باشد و قسمت مهم بدن که باید ورزش داده شود قلب و جهاز تنفس است پسرها خیلی سعی می کنند که عضلات بازو و پاها را قوی شود ولی دخترها باید به قوی کردن کمر، ریه و قلب اهمیت بدهند تا ورزش باعث نشود که لطافت و ظرافت آنها کاسته شود.

پس وظیفه این کمیته اینست که در مدارس دخترانه رسماً یا غیر رسمی سرکشی کرده فواید و محسنات ورزش را بمدیرات آن مدارس بفهمانند و در فراهم آوردن وسایل ورزش برای دخترها با مدیرات مدارس کمک کنند. اگر از این راه بتوانند نتایج کلی بگیرند اقدامات دیگری بنمایند مثلاً با کمک معلمات و مدیرات مدارس در محلات مختلفه شهر کلوبهایی برای دخترها تاسیس نمایند. همه میدانیم که نه فقط دخترها از ورزش محروم میباشند بلکه از تفریح و تنمیه قوای دماغی نیز محروم هستند. بطوریکه فقط تفریح آنها موقعیست که از مدرسه بمنزل مراجعت می کنند و یا از منزل بمدرسه میروند پس جای تعجب نیست اگر در این رفت و آمد بعضی مفاسد اخلاقی پیدا شود زیرا این بیچاهها از هر قسم تفریح و خوشی محروم میباشند. درخانه که هستند خانم با جی یا خانم بزرگ آنها را از بازی کردن منع مینماید محیط مدرسه هم همانطور که ذکر شد خشک و خالی از هر قسم تفریح است پس یا باید عقیده داشت که زن در جامعه خوشی و سعادت لازم نداشته باید اسیر باشد و یا اینکه باید این رویه نا هنجار ناقص را تغییر داده اصلاحاتی نمود.

به عقیده من بهترین راه برای حل این قضیه اینست که در هر

شهری يك عده كلوب های دخترانه تاسیس نمود و ترتیب اداره کردن این كلوب ها از اینقرار است که هر دختری که میخواهد عضو شود يك مبلغ خیلی کمی برای عضویت خود میپردازد زیرا این كلوب ها مخارج زیادی ندارد فقط قسمت عمده کرایه محل و منزل است. هر صد نفر یا دو صد نفر دختر بكمك اعضای این کمیته میتوانند يك كلوبی را تشکیل دهند این كلوب باید هفته دو مرتبه یا بیشتر باز بوده هر عصری دخترها بانجا بیایند و ممکن است پس از اتمام دروس در مدرسه باتفاق معلمات خود از مدارس مختلفه در انجا حاضر شوند البته اداره کردن این كلوب تا اندازه مشکل بوده اعضای کمیته تفریح و ورزش باید يك قسمت مهم وقت خود را صرف این مؤسسه نمایند. پس از اینکه در روزهای معین دخترها در انجا جمع شدند شروع می کنند بانواع بازی های مخلوط به ورزش که قبلاً برای آنها از طرف رئیس كلوب پیش بینی و تهیه شده است. اغلب این بازیها باید دارای سه جنبه باشد اولاً قسمت تفریحی آن زیاد بوده خنده آور باشد ثانیاً قسمت ورزش آن یاندازه کامل بوده قدری اعصاب و جهاز تنفس دوشیزگان را ورزش دهد مثلاً هر روز خواندن خیلی مفید است ثالثاً این بازیها باید دارای يك جنبه اخلاقی و اجتماعی هم باشد که افکار دخترها را باز کند شاید بعضی ها مخالف رقص باشند ولی امروز عقیده مریبان بزرگ اینست که رقص یکی از بهترین و مفیدترین ورزشهایی است که برای هر دختری لازم است و البته باید در هر كلوبی يك پیانو یا آلت دیگر موزیکی وجود داشته باشد. یکی از فوائد بزرگ دیگر این كلوبها اینست که دختران و معلمات

مدارس مختلفه را با هم آشنا و متحد مینمایند بطوریکه با روحیات و افکار یکدیگر آشنا میشوند و پس از دخول در جامعه طریقه معاشرت را فرا گرفته از ذوق و سلیقه دیگران نیز اطلاعات زیادی هم پیدا می کنند. پرگرام این کلوبها را میشود طوری تعیین نمود که بعلاوه مقاصد تفریح و ورزش نتایج دیگری نیز از آنها گرفت مثلا در هر چندی يك دفعه میشود از خانمهای بزرگ عالمه یاد کترهای معروف خواهش کرد که در این کلوبها حاضر شده راجع بمسائل ساده حفظ الصحه و قضایای مربوطه با اجتماعیات صحبت کنند. گمان می کنم که فوائد تاسیس این کلوبها زیاد باشد و بعلاوه اینکه دخترها را از معاشرت در خانه با خدامد ها که صومعا باعث فساد اخلاق میباشد مدتی باز میدارد روح آنها را با اجتماعیات نیز آشنا نموده هزار گونه نتایج مفید اخذ میکنند چنانکه در تمام ممالک متمدنه دخترها از این قبیل مؤسسات و کلوبها زیاد دارند و به عقیده من از این کلوبها بیشتر از مدارس میشود نتیجه گرفت و البته در ابتدای تاسیس اعضای این کمیته بموانع و اشکالاتی بر خواهند خورد ولی نباید مایوس شوند بلکه با يك عزم و تصمیم زوال ناپذیری اقدامات خود را با آخر برسانند و یقین است که نتایج مهمه خواهند گرفت.

يك قسمت مهم کار این کلوب تفریحات و گردشهای خارج از شهر است زیرا چنانکه میدانید در ایام جمعه پسر ها و مرد ها برای خود به گردش رفته روز خود را بخوشی تمام می کنند ولی دخترهای بیچاره را در خانه می گذارند و از هر قسم تفریحی محروم میدارند و شاید سالی یکی دو مرتبه برای زیارت بحضرت شاه عبد العظیم یا به بقاع

متبرکه دیگر بروند غیر از این دیگر هیچ تقریحی نداشته حتی ممکن است دختری در شهری بزرگ شود و گردش گاه های آن شهر را نه یبند. پس اعضای این کلوب ها در تحت ریاست خانمهای زرنگ امین که اولیای دختران با کمال اطمینان دختران خود را حاضر باشند با آنان بفرستند در روز های جمعه برای گردش بخارج شهر رفته اوقات ر بخوشی و بازی بگذارند.

نه فقط این کمیته باید از این قبیل کلوب ها که ذکر شد برای دو شیزگان تاسیس نماید بلکه باید نظری هم بمال خانمهای محترم بناید و وسایل تقریحی هم برای آنها فراهم کند. باز گمان می کنم وسیله بهتر از تشکیل کلوبها برای خانمها نیز نمیباشد که هفته چند ساعت در این کلوب ها حاضر شده بواسطه ملاقات دوستان خود و شنیدن قسمت های موسیقی دماغ خود را از خستگی کار های خانواده تر و تازه نمایند و در بعضی روزهای معین دسته های مختلف از خانمهاییکه عضو این کلوب ها هستند برای گردش با پرگرامهای صحیحی بخارج شهر بروند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یکی از بهترین وسایلی که امروزه در عالم کمال متمدنه اخلاق و اعمال خوب و بد اشخاص را مجسم مینماید سینما و تیاتر است و بد بختانه خانمهای ما در ایران از استفاده از این قسمت بکلی محروم اند. بنا بر این اعضای کمیته تقریح و ورزش باید این نکته مهم حیاتی اجتماعی را اهمیت داده هر چند یك دفعه در کلوبهاییکه ذکر شد یاد را مراکز دیگری که مناسب باشد سینما های اخلاقی تهیه کرده نمایش دهند مخصوصاً برای مجسم کردن اخلاق و افکار پست و عالی

برای دو شیذگان این بهترین وسیله است که هر چندی یکدفعه در کلوب آنها سینما های اخلاقی نشان دهند. در دادن تیاتر این کمیته باید سعی باشد که حکایت های اخلاقی مفید را بشکل تیاتر یا نمایش در آورده اعضای محترم انجمن ترقی نسوان و سایر خواهر های عزیز خود را مستفید سازند. وقتی یکی از خانم های محترمی که در امریکا تحصیل کرده بایران میرفت برای من صحبت کرد که خیال دارم بوسیله نمایش دادن سینما های اخلاقی و اجتماعی طرز اخلاق و سلوک و حالات و ترقیات علمی و روحی زن های غربی را برای زن های ایران مجسم نمایم بلکه از این راه بتوانم بعضی عقاید کهنه و عادات پست آنها را از میان ببریم و بانها نشان دهم که زن های غرب تا چه حدی ترقی کرده دارای اهمیت میباشند. من صحبت این خانم محترم را هیچ وقت فراموش نمی کنم و امید دارم که بزودی موفق باجرای مقاصد شریف خود بشود زیرا میدانم که یکی از بهترین راه های تربیت نشان دادن سینما های خوب میباشد. بواسطه سینما زنهایی که هرگز ممکن نیست مسافرت کرده اوضاع ممالک متمدنه را مشاهده کنند همین حقایق را در سینما با چشم خود مشاهده می نمایند چنانکه معروف است « شنیدن کی بود مانند دیدن » هر قدر زن ها در ایران بشنوند که خواهران خود در غرب مقامات بزرگی حائز شده در ترقیات مملکت خویش یک عامل بزرگی هستند ابدآ در آنها اثر نمی کند و لازم است حقیقت این امور را در پرده های سینما بچشم خود به بینند و با اخلاق و عادات و اکتشافات علمی ملل غرب آشنا شوند. پس از هر اقدامی مهم تر برای این کمیته اینست که از این قبیل پرده

های سینما (فیلم) وارد کرده به تربیت قوای روحی خواهران خود پردازد. یقین دارم که علاوه بر اثرات مفیدی که همین اقدام متضمن است مؤسسين يا آن شرکتیکه این فیلمهای سینما را وارد می کند منافعی کلی نیز خواهد برد.

پس خلاصه تکالیف این شعبه اینست که پرگرامهای صحیح جدیدی برای ورزش دخترها تهیه نموده در اجرای آنها بکوشد و بواسطه تاسیس کلوب های مختلفه وسایل گردش و تفریح برای خانمها و دو شیزگان فراهم بیاورد. همینطور در نشان دادن سینماهای اخلاقی و هر چندی يك تیار و نمایش برای مجسم نمودن محاسن و معایب افراد در جامعه خود داری نموده بهر قسمی شده است از این راه عملی پخواهران خود کمکهای شایانی بنمایند. البته در ابتدای اقدام برای تاسیس این کلوب ها و نشان دادن این سینماها و غیره بموانع زیادی بر خواهند خورد ولی در صورت داشتن اراده متین و استقامت به تدریج موانع برطرف شده مقاصد مطلوب بدست خواهد آمد. من یقین دارم وقبیکه اعضای این کمیته در جریان کار داخل شدند و از روی دانایی و احتیاط کار گردند انجام هر اقدامی برای آنها آسان خواهد شد.

خانمهاییکه برای عضویت این کمیته انتخاب میشوند باید اولاً شخصاً قوی بوده به ورزش و تفریح عقیده داشته باشند زیرا بسیاری از زنها در ایران هستند که افتادگی و بی بنیگی زن را علامت نجابت واصلت می دانند این قبیل خانمها را برای اجرای این مقاصد بزرگ نباید انتخاب کرد، ثانیاً باید اعضای این دایره يك تجربیات زیادی در امور

اجتماعی داشته باشند یعنی يك روح اجتماعی در آنها باشد که برای تهیه وسایل تفریح و خوشی دیگران سعی نموده علاقه خود را نشان دهند، ثالثاً این خانمها باید اشخاصی باشند که بالنسبه فرصتشان زیاده تر بوده وقت رسیدگی و انجام مقاصدی که ذکر شد داشته باشند.

۴ - شعبه تعلیمات

(خانه داری، بچه داری، شوهر داری)

چنانچه تاریخ بمانشان میدهد از ابتدای تاسیس فامیل و اجتماع در جامعه برای زن يك تکالیف مخصوصی معین شده است. مقصود از این تعیین کار این نیست که زنها و مردها نمایندگان انتخاب کرده و کارهای جامعه را مابین خود تقسیم کردند بلکه بمناسبات قوای بدنی و خلقت طبیعی از ابتدا تکالیف هر يك معین شده است یعنی چون بار آوردن بچه بر عهده مادر بوده است لذا برای انجام این مقصود مجبور بوده برای پرستاری اولاد خود در خانه خود بماند و از انطرف مرد برای تهیه خوراک در خارج خانه مشغول زد و خورد بوده است. نباید اشتباه بشود که تمام وظایف زن منحصر به بچه داری و خانه داری میباشد زیرا در انجام کارهای دیگر زنها نیز مانند مردها قابلیت و استحقاق خود را نشان داده و میتوانند شرکت نمایند ولی این دو کار یعنی بچه داری و خانه داری مخصوص زن میباشد و پیشتر اهمیت آنها در جامعه نیز برای اشغال این دو مقام بزرگ است که اساس و مبدا جامعه میباشد.

پس حال که چنین تکالیفی برای زن مسلم شد برای اكمال و انجام آنها دستورات و راه های معینی وضع شده که باید هر زنی کاملاً مطلع باشد و علت تشکیل این کمیته اینست که امروزه زن کامل و حقیقی زنی را میدانند که در انجام این دو وظیفه خود ماهر و استاد باشد. امروزه در ملل متمدنه در موضوع خانه داری و بچه داری کتابهای بیشمار نوشته شده و در حقیقت يك علم بزرگی است که باید هر زنی آن را تحصیل نماید ولی بدبختانه در این مختصر مدارس ابتدائی هم که برای دو شیزگان در ایران تاسیس شده است ابدأ این دو موضوع مهم تدریس نشده بان عطف توجهی نمیشود در نتیجه دخترها پس از گرفتن تصدیقنامه ابتدائی ابدأ لیاقت این را ندارند که بخانه شوهر بروند و از اینجهت است که اشخاصیکه مخالف ترقیات زنها هستند فرصتی بدست آورده ایراد می کنند که از تحصیلات دو شیزگان نتیجه گرفته نشده بلکه برعکس هیچ يك از آنها از امورات زندگانی سر رشته ندارند و در حقیقت هم این ایراد بر آنها وارد است زیرا چنانکه ذکر شد صده و وظایف و تکالیف زنها بچه داری و خانه داری است و بدون این تعلیمات تربیت زن ناقص است.

بنا بر این اعضای محترم این کمیته موظفند که از راه های مناسبی داخل شده این تعلیمات لازمه را بنخواهران خود بیاموزند. البته اشخاصیکه برای عضویت در این شعبه انتخاب میشوند باید خانمهایی باشند که در خانه داری و بچه داری معلومات کامله داشته خوش ذوق و سلیقه باشند و بعلاوه اداب معاشرت و قوانین زندگی اجتماعی را بخوبی بدانند.

این هیئت محترم باید نکات عملی و فلسفی که هر زنی در خانه داری بآن احتیاج دارد و مشاكل و موانعی که بان بر خورد مینماید چه از معلومات و تجربیات خود و دیگران و چه کسب اطلاع از کتاب هائیکه راجع باین موضوع نوشته شده بواسطه نطقهای مهیج و درج مقالات در جرائد و مجلات هموم خواهران عزیز خود را مسبوق سازند. این اقدام برای آن زنهاییست که از اوان طفولیت کسب این معلومات را ننموده و کور کورانه داخل زندگی اجتماعی نشده اند. این قبیل زنها در ایام حیات خود بواسطه بی اطلاعی و کم تجربگی بمشکلات بزرگ مصادف خواهند شد و شما اعضای این کمیته میتوانید خدمات بزرگ شایانی بانها نموده آن نکات دقیقه که میدانید ممکن است باعث اشکال آنها شود بانها بفهمانید.

اما برای اینکه دیگر اینطور زنهای بی اطلاع داخل جامعه نشوند باید این کمیته سعی نماید و غیر رسمی مدیرات مدارس را ملاقات نموده آنها را وادار نماید که هفته چندین ساعت این علوم لازمه را بدخترها در مدارس بیاموزند زیرا هیچ فایده ندارد که يك دختری دیپلمه شود بدون اینکه اطلاعی از خوراک پزی لباس دوزی شوهر داری و سایر کارهای خانه داشته باشد. بنا بر این باید هفته یکی دو مرتبه در مدارس طرز پختن خوراکیهای مختلفه و شیرینی های متعدده را هملا بدخترها بیاموزند و همینطور سایر مسائلی که در آتیه بآف بر خورد می نمایند در خانه بانها تعلیم دهند.

بچه داری يك علم بزرگی است که باید مادامیکه دخترها در مدارس مشغول تحصیل هستند در ضمن سایر علوم یاد بگیرند و آن

خانمهاییکه بدبختانه بچه دار شده و هنوز اطلاعات کافی درنگاه داری آنها ندارند باید اعضای این کمیته مطابق عقاید و اطلاعات جدید صملی که تحصیل مینمایند آنها را باخبر سازند. همچنین این کمیته میبایست بواسطه مقالات در جراید و نطقهای مفید مناسبات شوهر داری را بزنان بیاموزند تا زنان در خانه شوهر مانند اشخاص کور نباشند.

* * *

۵ - شعبه تشویق و ترغیب ضایع ظریفه

هانطور که جسم انسان محتاج به خوراک است روح اونیز محتاج به شنیدن نعمات موسیقی است. چه قدر مؤثر و دلرباست که پس از انجام وظایف خانه داری خانم خانه قدری برای شوهر و اطفال خود موسیقی بنوازد. این یکی از بهترین وسایل است که زنها میتوانند شوهر های خود را بخانه جلب نموده محبت خود را در قلب آنان زیاد نمایند.

لذا وظیفه این کمیته این است که کلاسهای درس موسیقی برای آنها تشکیل دهد و خامه دوزی، گیل دوزی را نیز که جزو صنایع مستظرفه است تشویق نماید که این صنایع ممکن است در روزهای تنگدستی هم بزنان کمک اقتصادی نماید.

* * *

۶ - کمیته ارتباط داخلی زنهای ایران

وظیفه این کمیته این است که باشهرها مکاتبه و مراوده داشته و هر چندی يك مرتبه نمایندگان کافی فرستاده از حالات خواهران

خود در سایر شهرهای ایران مطلع شوند تا احتیاجات یکدیگر را رفع نموده متحداً قدم در جاده ترقی گذارند.

* * *

۷ - ۸ - دایره تنظیمات و خزانه داری

چون ممکن است اعضای هیئت ترقی نسوان در هر شهری زیاد گردد برای اداره نمودن آن يك کمیته لازم است که قوانین اساسی را مجری دارد و مجامع «کنفرانس» های متعدد تشکیل دهد تا خانمها بتوانند اراء و افکار خود را اظهار دارند.

چون این شعبات مختلفه مخارج دارند اعضای هیئت ترقی نسوان در هر شهری باید کمک های مادی و اقتصادی بنمایند. مثلاً هر خانم ایرانی که میخواهد عضو هیئت شود يك تومان حق ورود دهد و هر سه ماه يك مرتبه اهدائیکه عضو رسمی هستند اقل سه قران به کمیته خزانه پردازیند و قبض در یافت دارند. خانمهاییکه دارا هستند میبایست بقدر همت خود باین کمیته مساعدت نمایند. همچنین بواسطه دادن سینما و نمایشهای مخصوص ممکن است مبلغ کلي زیادی حاصل کرد.

* * *

۹ - شعبه مطبوعات

هیئت ترقی نسوان باید در هر شهر بزرگی يك مجله کاملی داشته باشد که نتایج عملیات و پیشنهادات خود را در آن درج نمایند و مقالات مفید را جمع به ترقیات مادی و معنوی جامعه زنان در آن نشر گردد. اداره کردن این مجلات بمعهد «کمیته» خواهد بود که

مقالات مهمه و عکسهای خانمهای معروف را تهیه نموده به مجلات برساند. یکی از نکات مهم این است که اعضای این کمیته سعی نمایند عموم اعضاء مشترك در مجله زنان گردند چه بواسطه این قبیل مجلات است که میتوان افکار و عقاید زنان را ترقی داد.

* *

۱۰ - کمیته مرآوده با زنان خارجه

از آنجائیکه زنان اروپائی و امریکائی امروز گوی سبقت در علم و کمال از زنان ایران ربوده اند و باید خواهران ما آنان را سر مشق خود قرار دهند ایجاد کمیته مرآوده با زنان خارجه بسی لازم است. وظیفه این کمیته این است که زندگانی شخصی و اجتماعی زنان خارجه را مطالعه نموده صفات و حالات و رفتار پسندیده را که برای زنهای ایران لازم و مفید است اخذ نمایند و بخواهران خود بیاموزند و از آنچه ناشایسته و از حد اعتدال خارج است پرهیز و اجتناب نمایند. در ممالک متمدنه زنان دارای انجمنهای مخصوصی میباشد که برای ترقیات جامعه زنان کار میکنند و لازم است کمیته زنان ایران با آنها مکاتبه و مراسله داشته باشد و از آنان مساعدت فکری و عملی بخواهد و مخصوصاً باید نمایندگان خانمهای ایرانی در انجمن بین الملل زنها حاضر شده تبادل افکار نمایند.

این است عقیده ما راجع به ترقی نسوان و عمل را به خانمهای جدی و باهمت محول مینمائیم.

* * *

امید وارم خانمهاییکه این پیشنهادات را مطالعه میکنند کلمه غیر ممکن را بر زبان نیارند بلکه هر کدام خود را اولین شخصی بدانند که برای تاسیس يك چنین انجمنی اقدام نموده گوی سبقت از دیگران بر باید چون اگر بخواهند منتظر باشند يك نفر دیگر پیش قدم شود گذشته از اینکه مطابق وظیفه وجدانی خود رفتار نکرده اند تشکیل يك چنین انجمن مهمی را عقب انداختند .

البته جوانهای ایرانی که در داخله یا خارجه مشغول تحصیل هستند کمر همت بسته و به کمک خواهران عزیز خود بر خواسته اقدامات شایانی خواهند نمود چون بی کمک و مساعدت جوانان تحصیل کرده ممکن نیست زنان از قید جهالت نجات یابند . پس ای خانمهای محترم شب و روز بکوشید تا جامعه را که مردان مستبد برای شما دوخته اند نپوشید و بعالم ثابت کنید که دختران سیروس در خواب نبوده هنوز خون هما ، ایران دخت و پوران دخت در رگ و شریان آنان در جریان است .

ژرژوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی